

## سازمان‌ها و مسوولیت اجتماعی

مجموعه گزارش و یادداشت‌هایی با موضوع:

- گوناگونی نیروی کار
- گزارشگری پایداری و سبزشویی
- آب، مسئله و مسوولیت اجتماعی
- نبایدهای اقتصادی دولت سیزدهم
- بیکاری در ایران و جهان
- بروز و ظهور گاوکوبین‌ها





# چک‌ها را آسان مدیریت کنید



بانک خاورمیانه  
Middle East Bank



[www.middleeastbank.ir](http://www.middleeastbank.ir)  
[info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir)

به منظور رعایت قانون جدید چک شما می‌توانید از طریق اینترنت بانک و موبایل بانک خود عملیات مربوط به چک را انجام دهید. راهکارهای مختلف برای همه مشتریان از جمله اشخاص حقیقی، شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، حسابداران شخصی و افراد دارای حساب مشترک فراهم شده است تا شما بتوانید به راحتی چک‌های خود را در سامانه صیاد صادر، دریافت و منتقل کنید. با استفاده از راهکارهای اینترنتی بانک خاورمیانه، دسترسی‌ها و تاییدها در مورد اشخاص حقوقی با رعایت اساسنامه شرکت‌ها، امضای مشترک امضاداران مجاز و به‌طور خلاصه رعایت تمام اصول و قوانین در بستر سامانه صیاد انجام می‌پذیرد. بانک خاورمیانه به سهولت، در دسترس بودن دائمی و جامع بودن خدمات بانکداری شرکتی و تجربه خوشایند مشتریان اعتقاد دارد.





بانک خاورمیانه  
Middle East Bank



## ردپای کربنی خود را محاسبه و آن را جبران کنیم

هر ایرانی سالانه به طور متوسط ۸ تن کربن تولید می کند و هر درخت در سال می تواند ۲۱ کیلو دی اکسید کربن را جذب کند.



برای اطلاعات بیشتر  
درباره ردپای کربنی  
QR کد را اسکن کنید.

۵

سرمقاله

هزار وعده خوبان

# مطالب این شماره

شماره ۲۶ | شهریور ۱۴۰۰

۶

بانک

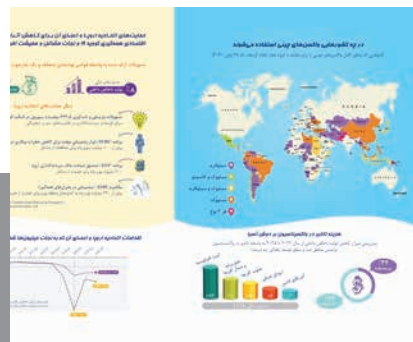
پلی به آینده  
بانکداری



۸

نوبت  
گاوکوبین ها  
است

اینفوگرافیک  
کرونا و اقتصاد



۱۱

نئوبانک ها و  
تحول مدل  
کسب و کار

۱۴



سبزشویی کسب و کار

۱۸

۲۶

آب، مسئله و  
مسئولیت اجتماعی

۲۰

گوناگونی نیروی کار

۲۹

پدر صنعت  
لوازم خانگی

۲۲

گزارشگری پایداری

کوشش بیهوده به از خفتگی

اقتصاد ۳۰

۳۲

نبایدهای  
اقتصادی  
دولت سیزدهم

۳۴

بیکاری در  
ایران و جهان



۳۸

رابطه بین  
آزادی اقتصادی و  
آزادی سیاسی

۳۶ اخبار

## خاورمیانه آفتاب

نشریه داخلی بانک خاورمیانه  
سال هشتم | شماره ۲۶ | شهریور ۱۴۰۰

نویسندگان این شماره به ترتیب حروف الفبا

سردبیر: محسن کریمی

دبیر اجرایی: سینا زارعی

طراح ساختار بصری: حنا نه نیازمند

گرافیکست و صفحه آرا: میترا دهقانی

- آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است که تمامی حقوق آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.
- مسوولیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار آن‌ها لزوماً به معنی تایید تمام یا بخشی از مطالب نیست.
- نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع مانعی ندارد.
- منابع در آرشیو نشریه موجودند.

- بانک خاورمیانه با توجه به شرایط جاری کشور و برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا، از چاپ کاغذی این شماره نشریه آفتاب خاورمیانه خودداری کرده است.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲، ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه  
کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷  
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵  
تحریریه آفتاب خاورمیانه: ۴۲۱۷ ۸۵۵۶

### بانک خاورمیانه

تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰

دورنگار: ۸۸۷۰ ۱۰۹۵

پیام کوتاه: ۳۰۰۴۲۱۷۸

امور سهامداران: ۴۲۱۷ ۸۰۲۰

مرکز ارتباط مشتریان (آشنا) ۴۲ ۵۵۷ (۰۲۱)

رسیدگی به شکایات (مدیریت بازرسی) ۴۲۱۷ ۸۸۸۸

برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه، می‌توانید یک ایمیل با عنوان اشتراک آفتاب خاورمیانه به نشانی [info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir) ارسال فرمایید.

دیدگاه‌ها و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا نشانی پستی برای ما ارسال نمایید و یا با ما تماس بگیرید.



مریم ذوالفقار



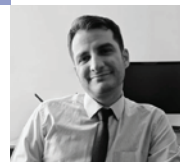
فرداد احمدی



آرین آقابیگی



حسین سلطان آبادی



ماکان سپهری



نیلوفر رحمانیان



هادی فرامرزی



یلدا عبداللهی



نادی صبوری



محمد کوثری



برای دانلود نشریه  
QR کد را اسکن کنید.

[www.middleeastbank.ir](http://www.middleeastbank.ir)

[info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir)

[twitter.com/MiddleEastbank](https://twitter.com/MiddleEastbank)

[telegram.me/ME\\_Bank](https://t.me/ME_Bank)

[instagram.com/ME.Bank](https://www.instagram.com/ME.Bank)

[linkedin.com/company/middleeastbank](https://www.linkedin.com/company/middleeastbank)



محسن کریمی  
مدیر ارتباطات • بانک خاورمیانه

# هزار وعده خوبان

موجود در بازار کنترل و مدیریت شود. تک‌نرخ کردن نرخ ارز در اولویت باشد. مهار تورم باید نخستین مأموریت وزیر اقتصاد جدید باشد.

وزیر اقتصاد نیز در نخستین اظهار نظر خود وظیفه وزارت اقتصاد را حضور در خط مقدم خنثی‌سازی تحریم و آسیب‌ناپذیری در جنگ اقتصادی اعلام کرد و سیاست اقتصادی دولت را تحریم‌ناپذیری معرفی کرد. مأموریت بلند و اساسی وزارت اقتصاد در دولت سیزدهم اولاً ارتقاء بخش خود وزارت اقتصاد و دارایی در تیم اقتصادی دولت است و ثانیاً بازطراحی سیستم‌ها با هدف مقاوم‌سازی مالیه دولت و پشتیبانی از بخش‌های مولد و مانع‌زدایی از تولید و کاهش نابرابری‌های غیرموجه بدین منظور ساختارها و فرآیندها معلول موجود را با تکیه بر فناوری‌های نوین چون مسئله هوشمندسازی جزو ضروریات اداره عاقلانه شرایط جنگی اقتصادی است. مهم‌ترین اولویت وزارت اقتصاد و دارایی کمک به ثبات اقتصاد کلان و مهار پایدار تورم است. او اعلام کرد تمام تلاش خود را برای تامین کسری بودجه از روش‌های غیرتورم‌زا، کنترل رشد بی‌ضابطه نقدینگی و مدیریت بازار ارز به کار خواهیم بست.

او تأکید کرد با توجه به هزینه‌های استقراری که از بانک مرکزی صورت گیرد مهم‌ترین اقدامات این است که در ابتدا برای اوراق دولت تقاضا ایجاد کنیم، اموال دولتی را به فروش برسانیم.

ارتقاء نقش خزانه در پیوند با عملیات با بانک مرکزی، توسعه بازار بدهی‌ها، افزایش تنوع اوراق مالی - اسلامی و نقد شوندگی آن‌ها، تدوین برنامه انتشار زمانی اوراق و در نهایت لایحه مدیریت بدهی‌های عمومی است. کاهش هزینه و تولید و مبادله از طریق ارتقاء نقش هیات مقرررات زبایی و تسهیل صدور مجوزها را برای بهبود محیط کسب و کار مطرح کرد و قول داد برای سهامداران خرد تجربه مثبتی ایجاد کند تا افزایش نقش بازار سرمایه را شاهد باشیم.

همچنین برای جذب سرمایه‌های خارجی؛ تقویت برون‌گرایی و دیپلماسی اقتصادی با همکاری وزارت صنعت و خارجه را مورد تأکید قرار داد.

وزیر جدید حوزه نظام بانکی را نیز از انتقاد بی‌نصیب نگذاشت و گفت: خلأ حاکمیتی شرکتی و تعارض منافع باعث شده تا نارضایتی ایجاد شود لذا اصلاح حکمرانی بانک مرکزی و ایجاد جایگاه هماهنگ‌ساز بازارهای مالی، الزام ویژه برای اعتمادسازی، تقویت سنت قرض‌الحسنه، واقعی شدن قراردادهای، اصلاح نظام نظارت بر خلق پول، تقویت بانک توسعه اسلامی و حاکمیت شرکتی و افزایش و توزیع عادلانه تسهیلات بانکی در سراسر کشور را در نظر داریم. تامین مالی و اعطای تسهیلات به واحد تولیدی با اینکه نسبت به اعطای تسهیلات به سایر بخش‌ها موثرتر است اما گام موثرتر تامین مالی زنجیره ارزش، نه از طریق تسهیلات بلکه از طریق اعطای خط اعتباری در زنجیره است.

در مورد اصلاح نظام مالیاتی نیز گفت: استقرار مالیات بر عایدی سرمایه، هوشمندسازی سیستم مالیاتی و تلاش برای ایجاد شناسنامه بنگاه‌های اقتصادی در دستور کار ما قرار دارد.

به هر روی در نیمه سال ۱۴۰۰ قرار داریم و سازمان برنامه و بودجه دو مأموریت در دستور کار دارد: یکی اصلاح بودجه سال جاری و دوم و برنامه ریزی بودجه سال آینده. تیم اقتصادی دولت نیز با چالش‌هایی مواجه است که دولت‌های پیشین نتوانسته‌اند از عهده آن‌ها برآیند و زمان زیادی نیز برای مباحثات با این مشکلات باقی نمانده است؛ کسری بودجه، تورم، مشکلات زیرساختی تولید برق و تامین و مدیریت آب، تعیین تکلیف FATF، رفع موانع کسب و کار، تعامل‌های بانکی در سطح جهانی و تنگنای تجارت خارجی، استمرار تحریم‌های امریکا و احتمال تبدیل آن به تحریم سازمان ملل، شرایط نامساعد بهداشت و سلامت و خسارت‌های ناشی از پاندمی کرونا و وضعیت بحرانی صندوق‌های بازنشستگی. در کنار این مشکلات دولت قول ساخت سالانه یک میلیون مسکن را نیز داده که مشخص نیست بودجه آن از کجا تامین خواهد شد. ■

تیم اقتصادی دولت سیزدهم با کسب رای اعتماد از مجلس شناسایی شد و گرچه هنوز ریس کل جدید بانک مرکزی معرفی نشده است ولی اولویت‌ها و چالش‌های اقتصادی دولت موضوعی آشکار است.

در شرایطی که مردم از اصلاحات اقتصادی ناامید شده‌اند و چشم‌انداز روشنی برای بهبود شرایط ندارند دولت با برخی ابر چالش مواجه است مانند مهار تورم، کنترل و جلوگیری از رشد نقدینگی، تقویت ارزش پول ملی، اصلاح کسری بودجه، اصلاح نظام بانکی کشور، تحریم‌ها، کرونا، بیکاری و خود را موظف دانسته که در راستای تقویت معیشت مردم گام بردارد.

به نظر می‌رسد که یکی از اولویت‌های دولت در کوتاه‌مدت بازبینی قانون بودجه ۱۴۰۰ و اصلاح مخارج غیرضروری و حذف اقلام تبصره‌هایی باشد که دولت‌ها به مرور به بودجه تحمیل کرده‌اند. در مورد اصلاح کسری بودجه نیز بحث کوچک‌سازی دولت مطرح است که بعید است در شرایط فعلی دولت توان و اراده چنین اقدامی را داشته باشد. حال ببینیم رییس جمهوری در برنامه‌ای که برای تحول عدالت‌محوری و پیشرفت کشور ارائه داده چه تعهدهایی را برای دولت ایجاد کرده است. آقای رییس عدالت و پیشرفت را به عنوان کانون برنامه‌های دولت و برآیند آن را رونق تولید داخلی و تعالی کشور معرفی کرده است. این برنامه‌ها بر پایه محورهای بنیادین پنج گانه شامل: باینیه گام دوم انقلاب اسلامی، تعالی فرهنگ اسلامی و ایرانی، اقتصاد مقاومتی، تامین و بهبود معیشت جامعه به ویژه اقشار کم درآمد و توسعه روابط بین‌المللی بر اساس منافع ملی و الهام‌بخشی در جهان اسلام است.

ایشان شایسته سالاری و شکستن باندهای بسته ثروت و قدرت و مردمی سازی اقتصاد و فرهنگ و صیانت از حقوق اساسی و عامه را نیز به عنوان اصول برنامه دولت مورد تأکید قرار داده است. چرخش از بروکراسی کندکننده و فسادخیز به نفع سازوکارهای جذب مشارکت عمومی، تغییر رویکرد از اقدامات صرفاً مقابله‌ای با فساد به اقدامات پیشگیرانه از فساد، چرخش از رویکرد تفکیکی در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رویکرد تلفیق سیاست‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی، تغییر رویکرد از بخشی‌نگری و پایتخت‌محوری در اتخاذ تصمیمات و توزیع منابع و امکانات به فعال‌سازی ظرفیت‌ها در سراسر کشور بر اساس آمایش سرزمینی، گذار از تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای و موسمی در حلقه‌های بسته کارشناسی و استفاده از فرآیندهای جلب مشارکت حداکثری به ویژه بدنه نخبگان، تغییر رویکرد مداخله‌ای به حمایتی و هدایتی و نظارتی در بازارهای سرمایه، ممانعت از تغییر پی‌درپی مقررات برای ایجاد ثبات و تقویت تولید و تجارت، افزایش نقش دولت در تنظیم‌گری و تسهیل‌گری در فضای کسب، تغییر رویکرد اقتصاد سنتی متمرکز بر منابع و توجه بیش از پیش به اقتصاد دانش‌بنیان و مبتنی بر فناوری، تغییر رویکرد از صادرات مبتنی بر مواد خام و اولیه به تولید محصولات صنعتی و با تکنولوژی بازار، تغییر رویکرد از اداره کشور براساس درآمدهای نفتی و روش‌های تورم‌زا در تامین منابع دولت و افزایش بهره‌وری و خلق ثروت ملی، تغییر رویکرد از بودجه‌ریزی سنتی و مبتنی بر چانه‌زنی به بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد عملیاتی و هوشمند، توجه بیش از پیش به فرصت‌های پیش رو در روستا و بخش کشاورزی، افزایش سازوکارهای حمایتی برای تقویت بنیه اقتصاد بخش‌های میانی و گروه‌های محروم به صورت پایدار و صیانت از محیط‌زیست و کمک به نهادهای مردمی به عنوان برنامه‌های دولت معرفی شدند.

البته رییس جمهوری اولویت اول دولت را مهار کرونا و ارتقاء وضعیت بهداشتی کشور معرفی و تأکید کرده تسریع در واکنش‌های عمومی، اجرای پروتکل‌های بهداشتی و ارتقاء سطح درمان اولویت نخستین است که دولت دنبال می‌کند. اقتصاددانان و تیم اقتصادی مجلس نیز توصیه‌هایی برای رییس جمهوری جدید داشتند، تیم اقتصادی دولت هر چه سریع‌تر باید تشکیل شود. اولویت مهم و اساسی تیم اقتصادی دولت بهبود وضعیت معیشت مردم باشد. حجم نقدینگی



## پلی به آینده بانکداری

ابزارهای دسترسی به خدمات بانکی و مفهوم پول در حال تغییر است. به نظر می‌رسد دیجیتالی شدن و جهان صفر و یک، در حال تغییر دادن دنیای نظام بانکی یا حداقل در حال تلاش برای تغییر آن است. امروز بیشتر از هر زمانی از دیجیتال بانک‌ها می‌شنویم و در کنار رمزارزها و پول دیجیتال؛ گاوکوینها یا همان پول‌های دیجیتالی دولتی هم در حال ارز اندام هستند. در این پرونده با نگاه به گاوکوینها و بانکداری دیجیتال به این دنیای در حال شکل‌گیری نظر انداخته‌ایم. ■

۸

نوبت  
گاوکوینها  
است

۱۱

نئوبانک‌ها و  
تحول مدل  
کسب‌وکار

۱۴

کرونا و اقتصاد

# نوبت گاوکویین‌ها' است



نیلوفر رحمانیان

روزنامه‌نگار و نویسنده نشریه آفتاب خاورمیانه

مایک نووگراتز، موسس گالکسی دیجیتال اخیراً گفته: «بیت‌کوین گزارش کار بانک‌های مرکزی است.» آیا ارز دیجیتال بانک مرکزی یا همان CBDC‌ها می‌توانند بیت‌کوین را از دور خارج کنند؟ بزرگ‌ترین بانک‌های مرکزی دنیا در رقابتی تنگاتنگ‌اند تا اولین شکل پول دیجیتال را ارائه کنند. چین یکی‌شان را در بوته‌ی آزمایش گذاشته است و حالا مشتری می‌تواند پرداخت‌هایش را با گوشی موبایل انجام دهد. اروپا گفته برای ارائه‌ی یوروی دیجیتال یک برنامه‌ی پنج ساله دارد. فِد<sup>۳</sup> هم گفته که تابستان امسال اظهاراتش در مورد پرداخت‌های دیجیتال را علنی خواهد کرد و در آن به فرصت‌ها و تهدیدهای پول‌های دیجیتال بانک مرکزی خواهد پرداخت.

اما پول‌های دیجیتال بانک مرکزی با بیت‌کوین چه فرقی دارند؟ می‌دانیم که در کل پول دیجیتال پولی است که شمایل فیزیکی ندارد. حال ممکن است این پول رمزار باشد و یا حساب بانکی محور. رمزارهایی مثل بیت‌کوین پول‌های دیجیتال رمزار هستند با پشتوانه‌ی تکنولوژی بلاک‌چین. این تکنولوژی بر محور توزیع دیتابیس بنا شده که شرکای بسیار دارد. به همین خاطر از رمزنگاری استفاده می‌کند تا رضایت تمام طرفین را بر اساس پروتکل‌ها جلب نماید و به تبادلاتش اعتبار بخشد و البته که رمزارها هیچ خط و ربطی به دولت‌ها ندارند. دلیل اصلی پیدایش رمزارها این بود که در بحران اقتصادی ۲۰۰۸، در شبکه‌ای بی ارتباط به شبکه‌ی بانکداری سنتی، فضایی امن برای مبادلات فراهم آورده شود.

از آن سو پول دیجیتال بانک مرکزی یا CBDC پول دیجیتالی است در دستان بانک مرکزی. هدف این تکنولوژی صیانت از حریم خصوصی نیست، خصوصاً اگر امکان استفاده از آن بر اساس حساب بانکی افراد تعیین شده باشد.

به دو طریق می‌توان از پول دیجیتال بانک مرکزی استفاده کرد، یکی با واسطه قرار دادن سیستم بانکی و دیگری به طور غیرمستقیم و از طریق گوشی موبایل. یک CBDC می‌بایست علاوه بر فراهم کردن امکان تراکنش‌های داخلی، بستری مناسب

برای انجام تراکنش‌های بین‌المللی هم فراهم کند که لازمه‌ی آن هماهنگی با سایر سیستم‌های پرداخت و همچنین بلاکچین‌ها است. نیاز به چنین پول‌هایی جهت تسهیل تراکنش‌ها آنجایی بیشتر احساس می‌شود که بدانیم ۵.۴ درصد خانوارهای آمریکایی حساب بانکی ندارند و نزدیک ۱۸.۷ درصد از آمریکایی‌ها از سال ۲۰۱۷ از حساب بانکی‌شان استفاده نکرده‌اند و کارهایشان را تنها با پول نقد انجام می‌دهند. چنین اطلاعاتی خصوصاً زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که بدانیم وقتی سال ۲۰۲۰ دولت آمریکا می‌خواست خدمات ویژه‌ای به خاطر همه‌گیری کرونا ارائه کند با موانع بسیاری که ناشی از ناقص بودن داده‌های شرکت‌هایی که حقوق کارمندان‌شان را به صورت نقدی پرداخت می‌کردند مواجه شد. مخلص کلام اینکه

1. Govcoins

2. Central Bank Digital Currency

3. Federal Reserve



وارد بازار می‌کنند. اولی از طریق چاپ اسکناس و ضرب سکه است که در حال حاضر حدود دو تریلیون دلار سکه و اسکناس در گردش است که فرض می‌شود حدود نیمی از این مبلغ بیرون مرزهای آمریکا باشد.

دومی، «تسهیل کمی» است که چیزی حدود ۸ تریلیون دلار را در بر می‌گیرد. تسهیل کمی به سبب خط دیجیتال اعتبارات خزانه و سندهای بانک مرکزی میسر می‌شود که اجازه می‌دهد به وقت نیاز با توجه به اعتبارات، پول به بازار تزریق شود. پول‌های دیجیتال بانک مرکزی کانال سوم تولید پول خواهند بود.

یکی از نگرانی‌های بزرگ در مورد پول‌های دیجیتال بانکی مسئله حریم شخصی افراد است. اگر بنا باشد این پول دیجیتال مستقیم به کیف پول دیجیتال شخص که روی دستگاه موبایلش است متصل باشد، تمام تراکنش‌های شخص و زمان و مکان هر تراکنش توسط دولت‌ها قابل ردیابی است. همین مشکل امنیتی احتمالاً باعث افزایش تمایل کاربران به استفاده از رمزارزها شود مگر اینکه بانک‌ها بتوانند حراست از اطلاعات کاربرانشان را ضمانت کنند.

یکی دیگر از تفاوت‌های بیت‌کوین با پول‌های دیجیتال و یا پول‌های دولتی (گاوکوین) در این است که دارندگان بیت‌کوین نمی‌توانند روی اموال خود حساب دقیقی بکنند. هر چه نباشد وقتی یک توپیت ایلان ماسک می‌تواند ارزش بیت‌کوین را ۱۷ درصد پایین بکشد، چه کسی می‌تواند روی ارزش پولش حساب باز کند؟ اما گاوکوین‌ها یا همان پول‌های دیجیتال که پشتوانه‌ی بانک مرکزی کشور را دارند چنین نیستند، خواه‌ای-دلار باشند یا ای-یوان یا روپیه دیجیتال. یکی از مزایای گاوکوین‌ها نسبت به پول رایج این است که می‌تواند با حذف سکه و اسکناس مانع هدر رفت و دور ریز منابع کاغذی و فلزی شوند. مستقیم توی کیف پول دیجیتال کاربران ذخیره می‌شوند و از همان جا صرف پرداخت قبوض و خرید و قس علی‌هذا می‌شوند. حق‌الزحمه تراکنش بین بانکی هم حذف می‌شود. دولت‌ها می‌توانند از طریق گاوکوین‌ها روی سیستم‌های اقتصادی اپلیکیشن‌های دیجیتالی مثل ال‌پی در چین و یا رمزارزها نظارت داشته باشند. اما هم‌ا‌ش خوب نیست، گاوکوین‌ها می‌توانند باعث از میان رفتن بانکداری عادی بشوند.

یکی دیگر از ریسک‌هایی که همراه گاوکوین‌ها می‌آید، به خطر افتادن جابجایی‌های مالی بی‌نام و نشان توسط پول نقد است. با گاوکوین‌ها تک تک تراکنش‌های مردم تحت نظارت دولت‌ها خواهد بود و اگر یک دولت اوتوکرات بخواهد جلوی مردمش را بگیرد که کمک مالی به فلان موسسه نکنند و یا بخواهد خرید فلان کتاب را در کشور منع کند، به سادگی می‌تواند با گاوکوین‌ها جلویشان را بگیرد. مثلاً بسیاری از فعالان حقوق بشر نگرانی‌هایی در مورد گاوکوین چین دارند. دولت چین در شهر سوژو در نزدیکی شانگهای به‌طور مجانی به کیف پول دیجیتال صد و هشتاد و یک هزار نفر مبلغ ۵۵ یوان (معادل ۶ یورو) اعتبار داده تا در حد فاصل یکم تا پنجم ماه مه در فستیوال فروشی از آن استفاده کنند. مرحله‌ی دوم این آزمایش پانصد هزار نفر در یازده منطقه چین را در بر می‌گرفت و بسیاری نگران‌اند که یوان دیجیتال تنها برای کنار زدن بیت‌کوین و دلار نیامده باشد و ابزار کارآمدتری برای کنترل بر زندگی شخصی مردم در اختیار چین قرار دهد، دغدغه‌ای که دست و پای رقبای غربی بانک مرکزی چین، مثل فدرال رزرو و بانک انگلستان را بسته است. علاوه بر این غرب نگرانی دیگری هم دارد، اینکه یوان دیجیتال بتواند دلار و یورو را پشت سر بگذارد و باعث عدم ثبات در بازار جهانی شود، هرچند دولت چین اعلام کرده که قصدش این نیست که یوان را جایگزین دلار کند و فقط می‌خواهد بستری فراهم کند که مشتریان برای مبادلات بین‌المللی‌شان بین دلار و یوان «حق انتخاب» داشته باشند.

یوان دیجیتال نیاز به بانک‌های واسط را از میان برده و هیچ هزینه‌ای برای تراکنش‌ها از مشتریان‌اش نمی‌گیرد و دست‌کم در تئوری سرعت انتقال پول در آن بیشتر است. یوان دیجیتال درست مثل یوان معمولی عمل می‌کند، با این تفاوت که دولت می‌تواند نظارت بیشتری روی نقل و انتقالات دیجیتال داشته باشد و فهرست جابجایی‌های سرتاسر کشور را در هر لحظه از شبانه‌روز در دست داشته باشد. به نظر می‌رسد چین نه تنها اولین کشوری بود که در قرن یازدهم میلادی



پول دیجیتال می‌تواند باعث کاهش هزینه‌های پرداخت، تسریع پرداخت‌ها، تسهیل و تسریع جابجایی‌های بین‌المللی و توسعه‌ی جامعیت شود.

اما بعضی از عواقب ناخواسته استفاده از پول‌های دیجیتال بانکی چیست؟ کل پولی که در چرخه است مبلغی است حدود ۲۰.۴ تریلیون دلار در آمریکا که در مقایسه با ژانویه ۲۰۲۰ رشد ۳۳.۳ درصدی داشته است. بخش بازرگانی بانک‌ها به دلایل گوناگونی پول جدید چاپ می‌کند. بانک‌ها چیزی حدود ۱۰.۴ تریلیون دلار تحت عنوان ذخیره قانونی چاپ کرده‌اند.

بانک‌ها پیوسته به موسسات و نگاه‌های اقتصادی وام می‌دهند اما این وام‌ها پشتوانه ذخیره قانونی ندارند. از دیگر سو بانک‌های مرکزی به دو شیوه پول جدید

پول کاغذی را اختراع کرد، بنا است اولین کشور قرن بیست و یکم باشد که به پول‌های دیجیتال رو می‌آورد. از دیگر سو برای ساکنین کشورهایی که ارزش پول ملی‌شان در حال سقوط است رو آوردن مردم به ارزیابی با ارزش پایدار می‌تواند ضربه‌ی دیگری به ارزش پول آن کشور بزند و از دیگر سو به شکل‌گیری یک جور ارز بین‌المللی بینجامد. این البته از نگرانی‌های قابل‌تامل کشورهای کوچک‌تر در قبال گاوکوینها است. نگرانی از اینکه استفاده مردم از این پول‌ها به هرج و مرج در داخل کشور بینجامد. پول دیجیتال به علاوه می‌تواند تحریم‌های مالی را هم کم اثر کند. شاهدش هم روسیه که «روبل-رمزارز» اش در سیستم بانکی ثبت نمی‌شود و در کشورهای دیگر قابل ردیابی نیست.

اما چه بر سر بیت‌کوین می‌آید؟ به نظر می‌رسد اگر سایر کشورها هم شروع به ارائه ارزهای دیجیتال خودشان بکنند، بیت‌کوین به حاشیه رانده شود. حتی ممکن است کشورهای دیگر هم مثل چین، استفاده از بیت‌کوین را غیرقانونی اعلام کنند. ممنوعیت‌هایی از این دست می‌تواند به اعتماد مشتریان نسبت به یک رمزارز خدشه وارد کند و باعث ریزش ارزش بیت‌کوین شود. رمزارزهای دیگری مثل اتریم احتمالاً ارزش خودشان را حفظ بکنند، به ویژه به خاطر ابداعاتی که دارند، مثل اپ‌های DeFi. با استفاده‌ی افزایش‌دهنده کاربران چنین اپلیکیشن‌هایی، احتمالاً مادامی که بیت‌کوین دارد سقوط می‌کند، اتریم ارزشش را حفظ خواهد کرد.

به هر روی، این دگردیسی بانک‌های مرکزی و تبدیل‌شان از یک موسسه اقتصادی اشرافی به کارگری به نظر بعید بود ولی می‌بینیم که دارد کم کم میسر می‌شود. بیش از پنجاه موسسه مالی در حال ارائه پول‌های دیجیتال‌اند. چین توانسته‌ای-یوان را در اختیار پانصد هزار نفر از جمعیتش قرار بدهد. اتحادیه اروپا پی پیوری مجازی تا سال ۲۰۲۵ است و بریتانیا برنامه گاوکوینهاش را در بالای فهرست کارهایش گذاشته و آمریکا، بزرگ‌ترین هژمون اقتصادی جهان هم در حال کار روی ای-دلار خودش است.

یکی از انگیزه‌های دولت‌ها و بانک‌های مرکزی برای چنین اقدامی البته این است که می‌توانند کنترل اوضاع از دستشان خارج شود. اگر پرداخت‌ها و وام‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها از بانک‌ها کوچ کنند و در جهان دیجیتال سیر کنند، مدیریت چرخه اقتصادی و تزریق سرمایه به سیستم به ویژه در زمانه بحران برای بانک‌های مرکزی عملاً ناممکن می‌شود. شبکه‌های بی نظارت خصوصی می‌توانند به «غرب وحشی» کلاهبرداری و سواستفاده‌های شخصی بدل شوند.

انگیزه دوم البته نوید سیستم اقتصادی بهتر از پیش است. پول‌های دیجیتال دولتی یا همان گاوکوینها اعتبار بالایی خواهند داشت و این آسانی کار با آن‌ها تنها شامل حال مشتریان نمی‌شود بلکه بانکداری را هم آسوده‌تر می‌کند. در نتیجه گاوکوینها می‌توانند حق‌الزحمه بانکی بانکداری سنتی را از معادلات حذف کنند که طبق برآوردها مبلغی است در حدود سالانه سیصد و پنجاه دلار به ازای هر انسان روی زمین. این خود می‌تواند باعث ایجاد زمینه‌ای برای دسترسی ۱.۷ میلیارد نفری باشد که به حساب بانکی دسترسی ندارند. میل روزافزون به استفاده از خدمات بانکی آزاد و امن و فوری و ارزان برای مشتریان هم که دیگر گفتن ندارد. متأسفانه همین میل است که خطرناک می‌شود. اگر بانک‌ها فی‌الفور به گاوکوینها روی بیاورند، ممکن است در سیستم بانکداری‌شان دچار اختلال و تزلزل شوند. مشکل دیگری که پیش روی بانک‌ها است این است که اگر بیشتر مردم و شرکت‌ها بخواهند پول‌هایشان را به بانک‌های مرکزی بسپارند، بانک‌ها می‌بایست منابع تازه‌ای برای سرمایه‌گذاری بیابند که پشتوانه‌ی وام‌هایشان باشد و این کار به زمان احتیاج دارد. اگر بانک‌ها نتوانند به موقع تکلیف سرمایه‌گذاری‌های تازه‌شان را مشخص کنند، سر و کله کسان دیگری پیدا می‌شود که سرمایه‌ی مورد نیاز راه‌اندازی کسب و کارهای تازه را برعهده بگیرند. این یعنی چشم‌اندازی که در آن بوروکرات‌ها بر تخصیص اعتبارات تأثیر می‌گذارند.

به هر روی هر تغییری مزایا و معایب خودش را دارد. از یک سو دیدن این تغییرات هیجان‌انگیز است و از دیگر سو نگران‌کننده. بهتر اینکه دولت‌ها و شرکت‌ها و بانک‌ها خودشان را برای تغییری قطعی اما طولانی آماده کنند. این تغییر جنبه‌های بسیاری را در بر می‌گیرد. از اینکه «با سکه‌های فلزی‌مان چه کار کنیم» بگیریم تا اینکه «کارت‌های اعتباری قرار است چطور کار کنند». پول‌های دیجیتال تجربه‌ای تازه برای اقتصاد دنیا است و این تغییر به مراتب بزرگتر از وقتی است که قرار شد برای اولین بار از دستگاه‌های ATM استفاده کنیم. ■



## منابع

1. [www.economist.com/leaders/2021/05/08/the-digital-currencies-that-matter](http://www.economist.com/leaders/2021/05/08/the-digital-currencies-that-matter)
2. [www.medium.com/predict/move-aside-bitcoin-its-time-for-govcoin-d48d7c2711d9](http://www.medium.com/predict/move-aside-bitcoin-its-time-for-govcoin-d48d7c2711d9)
3. [www.forbes.com/sites/frankvangansbeke/2021/06/27/why-central-bank-digital-currencies-cbdc-now-and-what-could-they-mean-for-climate-change-12/?sh=846a63724a86](http://www.forbes.com/sites/frankvangansbeke/2021/06/27/why-central-bank-digital-currencies-cbdc-now-and-what-could-they-mean-for-climate-change-12/?sh=846a63724a86)



# نئوبانک‌ها و تحول مدل کسب‌وکار



ماکان سپهری

مدیر تحول بانکداری دیجیتال • بانک خاورمیانه

در ادامه این یادداشت نگاهی تحلیلی خواهیم داشت به انواع مدل‌های کسب‌وکار مالی و آنچه نگارنده، به عنوان آینده مدل کسب‌وکاری نئوبانک‌ها متصور است.

کسب‌وکار مالی، در همه جوامع، تحت تاثیر قوانین، مقررات و محدودیت‌هایی قرار دارد که تضمین‌کننده سلامت، شفافیت و دقت بازیگران مختلف در این شبکه است. قوانین، دستورالعمل‌ها و محدودیت‌هایی که به مانند یک شمشیر دو لبه عمل می‌کنند، از یکسو مانند هر شبکه دیگری تضمین‌کننده و پایه اعتماد کاربران شبکه به خدمات دهندگان است و از سمت دیگر با استانداردهای فضای کسب‌وکار، اجازه نوآوری‌های بی‌حد و حصر را از خدمات دهندگان می‌گیرند.

آنچه برای خدمات دهندگان، به عنوان مزایای رقابتی در مواجه با کاربران باقی می‌ماند؛ دیگر نوآوری در مدل کسب‌وکار، یا کاهش قیمت خدمات بانکی نیست، به همین دلیل است که بانک‌ها مختلف بیشتر از آنکه بر روی هزینه‌های استفاده از خدمات مانور بدهند (به عنوان مثال آنچه به عنوان هزینه‌ها تراکنش، اعم از پرداخت قبض و کارمزدهای دیگر در هنگام تراکنش مطرح می‌شود)، بر روی مشوق‌های مختلف برای جذب سرمایه و افزایش موجودی کاربران (مانند نرخ سود ترجیحی، امتیاز دریافت وام یا تسهیلات کم بهره) و سپس استفاده از این منابع مالی انباشته جهت سرمایه‌گذاری‌های کم ریسک و نهایتاً درآمدزایی از این راه متمرکز می‌شوند.

در مقابل وقتی به نئوبانک‌ها نگاه می‌کنیم و رسالت اصلی نئوبانک‌ها را در درآمدزایی و سودآوری از مشتریان خرد در نظر می‌گیریم، این نگاه می‌بایست دچار تغییرات بنیادی شود. اگر به اصول اولیه نئوبانک‌ها برای درآمدزایی و بالتبع سودآوری از مشتریان خرد بنگریم، موارد زیر اهم استراتژی‌ها نئوبانک‌ها را در کاهش هزینه‌های عملیاتی و تقویت جایگاه را در میان مشتریان تشکیل می‌دهد:

نوشتن از نئوبانک‌ها، با وجود اقبال عمومی که در جامعه تخصصی مالی ایران به این مفهوم در یک سال اخیر وجود داشته است، سهل‌ممتنع به نظر می‌آید. یادداشت قبلی نگارنده از لزوم اضافه شدن، یکایک موسسات مالی و بانکی کشور به این حرکت تازه آغاز شده گفت، اما همان‌جا نیز اشاره شد که لزوم وجودی نئوبانک‌ها علاوه بر تسهیل فرآیندهای پایه‌ی بانکی، نگاه تازه‌ای است به کسب‌وکار بانک‌ها و موسسات مالی.



و همچنین تمایل مشتریان به سپرده‌های سرمایه‌گذاری و در نتیجه، افزایش بهای تمام شده پول، حاشیه سود عملیاتی بانک‌ها را از محل درآمدهای مشاع به شدت کاهش داده است و هم‌زمان به دلیل دریافت کارمزد به صورت نقدی و در نتیجه، ایجاد جریان نقد برای بانک و همچنین ریسک پایین‌تر نسبت به درآمدهای مشاع، اکثر بانک‌ها به سمت این گونه درآمدها روی آورده‌اند.

#### تغییر نگاه به درآمدزایی

اما آیا نئوبانک‌ها می‌بایست از روش‌های درآمدزایی سنتی پیروی کنند و یا در کنار تحول در روش‌های ارتباط با مشتری، وقت آن رسیده است تا با ارائه زنجیره‌ی ارزشی متفاوت از آنچه بانک‌های سنتی ارائه می‌کنند؛ تغییر در شیوه کسب‌وکار را نیز در دستور کار قرار دهند.

بر طبق تحلیلی که در نشریه نیویورک تایمز<sup>۱</sup> منتشر گردیده است، در سال ۲۰۱۹، مشتریان به صورت میانگین ۶۴۰ دلار به صورت سالانه برای حق عضویت‌های دیجیتال (Digital Subscription) در سرویس‌های مانند استریم‌های ویدیو، فضای ذخیره‌سازی و دیگر سرویس‌های ابری پرداخت کرده‌اند. مبلغی که نسبت به مدت مشابه در سال ۲۰۱۷، هفت درصد افزایش یافته است. در حالی که گستره‌ی عظیمی از خدمات دیجیتال از سرویس‌های چند رسانه‌ای، نرم‌افزارها، خبرنامه‌ها، پادکست‌ها و حتی تحویل روزانه‌ای غذا از مدل حق عضویت برای توسعه‌ی کسب‌وکار خود استفاده می‌کنند، آیا وقت آن نرسیده است که خدمات مالی نیز به این سبک از درآمدزایی بپیوندند.

از نگاه حسابداری، نئوبانک‌ها مانند بسیاری دیگر از کسب‌وکارهای دیجیتال، در زمره کسب‌وکارهای با سربر بالا (هزینه‌های اولیه تولید زیرساخت) و هزینه مستقیم به نسبت پایین عملیاتی قرار می‌گیرند، مدل‌های درآمدزایی مبتنی بر حق عضویت، گرچه بازه برگشت سرمایه را به واسطه استفاده از مفهوم صرفه به

- استفاده از لایسنس بانک‌های سنتی تحت قراردادهای همکاری، برای کاهش سرمایه اولیه
  - هزینه‌کرد سرمایه اولیه در زیرساخت‌های دیجیتال به جای زیرساخت‌های سنتی بانکی
  - تمرکز بر کانال‌های ارایه خدمات دیجیتال برای کاهش هزینه‌های عملیاتی در شعب فیزیکی
  - تمرکز بر تجربه مشتری، به عنوان مزیت رقابتی اولیه در مقابل بانک‌های سنتی برای جذب کاربران جدید
  - تمرکز بر ارایه خدمات مالی خاص مشتری (Personalized Banking) جهت وفادار سازی مشتری
  - استفاده از ظرفیت‌های بازاریابی دیجیتال مبتنی بر بازاریابی ارجاعی (Referral Marketing) برای تقویت برند
- در کنار موارد اشاره شده، اما می‌بایست خطوط درآمدزایی نیز مورد بررسی قرار گیرند. بر این اساس اجازه بدهید نگاهی به انواع درآمدهای بانک‌های سنتی داشته باشیم.

#### انواع درآمدهای بانک‌های سنتی

در نگاه سنتی درآمدهای بانک‌ها را در ایران می‌توان به درآمدهای مشاع و غیر مشاع تقسیم کرد.

درآمدهای مشاع، شامل درآمدهایی است که از سود تسهیلات اعطایی و سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری به دست می‌آید. در مقابل درآمدهای غیرمشاع بانک‌ها شامل انواع کارمزدها و درآمد از سایر فعالیت‌های مشاوره‌ای است. بنابر آنچه در سالیان اخیر در فضای مالی و بانکی کشور اتفاق افتاده است، کاهش تفاوت بین نرخ سود دریافتی از تسهیلات و نرخ سود پرداختی به سپرده‌گذاران



1. <https://john-street-capital.medium.com/Subscriptions%20are%20eating%20the%20world>.



مقیاس (Economies of Scale) در قیمت‌گذاری خدمات طولانی‌تر می‌کنند، اما در درازمدت با کاهش نرخ خروج کاربران، ایجاد عادات جدید پرداختی در مشتریان، معاوضه دریافت زود هنگام پول در قبال حق عضویت آینده و کاهش هزینه جذب مشتری جدید، رشد غیرخطی درآمد را در بازه زمانی طولانی و میان‌مدت امکان‌پذیر می‌کند.

از دیدگاه کاربر، پرداخت حق عضویت و رهایی از کارمزدهای مختلف پرداختی و بانکی، تجربه‌ی همگنی از سرویس‌های مالی را فراهم می‌آورد. آنچه از آن به عنوان شفافیت (عدم وجود هرگونه کارمزد و یا هزینه پنهان) در سرویس‌های مالی نام برده می‌شود، شفافیتی که شاید حلقه مفقوده بسیاری از کسب‌وکارهای دیجیتال در ایران باشد.

گزارش دیگری که از «ارنست و یان»<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۹ منتشر شده است، نشان‌دهنده علاقه و استقبال نسل جدید به پرداخت حق عضویت در قبال دریافت سرویس‌های مالی خاص است. بر طبق این گزارش بیش از پنجاه درصد گروه‌های سنی ۲۴ الی ۳۵ سال و ۳۵ الی ۴۹ سال، مایل به پرداخت حق عضویت و تجربه یک سرویس مالی شخصی‌سازی شده هستند.

به عنوان مثال اجازه بدهید نگاهی به رولوت (Revolut) به عنوان یکی از پیشگامان مفهوم نئوبانک بیان‌داریم. این شرکت ۳۰ درصد از درآمد سالانه خود از طریق سه رده مختلف<sup>۳</sup> حق عضویت به شرح زیر تامین می‌کند:

طرح استاندارد به صورت رایگان، طرح پرمیوم (Premium) با بهای ۹.۹۹ دلار ماهیانه و طرح متال (Metal) با بهای ۱۶.۹۹ دلار ماهیانه.

تفاوت طرح‌های مختلف رولوت را حداکثر میزان برداشت روزانه از دستگاه‌های خودپرداز، خدمات جانبی مانند بیمه و حساب‌های مبتنی بر رمز ارز، نوع کارت بانکی، حساب‌های خانوادگی و حتی نرخ سود حساب‌های پس‌انداز تشکیل می‌دهد. تحلیل این مدل کسب‌وکار را در فضای مالی و بانکی ایران از چندین دیدگاه می‌توان مورد بررسی قرار داد.

نخست نگاه به نئوبانک‌ها از منظر بازار سرویس‌های مالی (Financial Market Place) است. در این دیدگاه مجموعه مختلفی از خدمات بانکی، پرداختی، ارزی و صرافی، بیمه، کارگزاری و تامین سرمایه قابلیت ارائه به مشتری نهایی را دارند. تلفیق این‌گونه خدمات امکان تولید ارزش‌های افزوده جدید در یک تجربه کاربری یکنواخت و درهم تنیده (Digital Connectivity) فراهم می‌آورد. زنجیره ارزشی که کاربر را مجاب به پرداخت هزینه‌های متناوب می‌نماید.

از دیدگاه دیگر، می‌توان به رابطه نئوبانک‌ها و بانک‌های مادر نگاه کرد. رابطه‌ای که در ایران هنوز به واسطه خلأهای قانونی در ارایه مجوز مستقل به نئوبانک‌ها، تعریف نشده است. در نگاه طولانی مدت ایجاد یا شراکت در بنگاه‌های مالی جانبی تحت عنوان نئوبانک، فراتر از سرمایه‌گذاری در حوزه دیجیتال، می‌بایست افق‌های جدیدی از درآمدزایی را نیز تضمین نماید. این افق‌های جدید در طولانی‌مدت می‌بایست به‌گونه‌ای باشد که فضای میان نئوبانک‌ها و بانک‌های سنتی را از رقابت (Competition) به همکاری (Co-Operation) تبدیل کند. ایجاد زنجیره ارزش جدید که از ملزومات مدل کسب‌وکار مبتنی بر حق عضویت است می‌تواند این دگردیسی در رابطه تسهیل نماید.

و نهایتاً، با توجه به دستورالعمل‌های استاندارد شده رگولاتور، در تعیین کارمزدها، نرخ سود سپرده‌ها و تسهیلات اعطایی، نیاز بانک‌ها به ورود به بازارهای مالی جدید از طریق محصولات و خدمات جدید را سبب گردیده است. مدل کسب‌وکار مبتنی بر حق عضویت، عملاً راهکاری خلاقانه برای درآمدزایی موسسات مالی دیجیتال از طریق ارائه سرویس‌های نوآورانه است.

در زندگی افراد هشت بعد سلامت تعریف شده است<sup>۴</sup>: فیزیکی (Physical)، احساسی (Emotional)، اجتماعی (Social)، ذهنی (Intellectual)، محیطی (Environmental)، روحی (Spritual)، حرفه‌ای (Vocational) و مالی (Financial). زمانی که در هفت مورد اول سرویس‌های دیجیتال جهت بهبود تجربه‌ی افراد مبتنی بر حق عضویت وجود دارند، آیا زمان آن نرسیده است که این مدل کسب‌وکار به سرویس‌های مالی نیز تسری یابد؟ ■

2. [https://cdn.foleon.com/upload/3941/nextwave\\_cfs\\_report\\_190419\\_digital.c24dba2d5ea6.pdf](https://cdn.foleon.com/upload/3941/nextwave_cfs_report_190419_digital.c24dba2d5ea6.pdf)

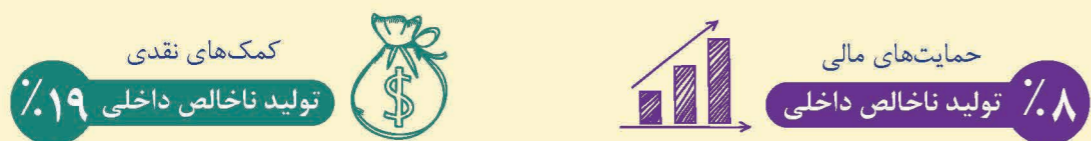
3. <https://www.revolut.com/en-US/our-pricing-plans>.

4. <https://www.northwestern.edu/wellness/8-dimensions/>



## حمایت‌های اتحادیه اروپا و اعضای آن برای کاهش اثرات اقتصادی همه‌گیری کووید ۱۹ و نجات مشاغل و معیشت افراد

تسهیلات ارائه شده به واسطه قوانین بودجه‌ای منعطف و یک چارچوب موقت برای کمک‌های دولت



### دیگر حمایت‌های اتحادیه اروپا

تسهیلات بازبانی و تاب‌آوری ۶۷۲.۵ میلیارد یوروی در قالب کمک و وام برای توسعه و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سبز و دیجیتالی

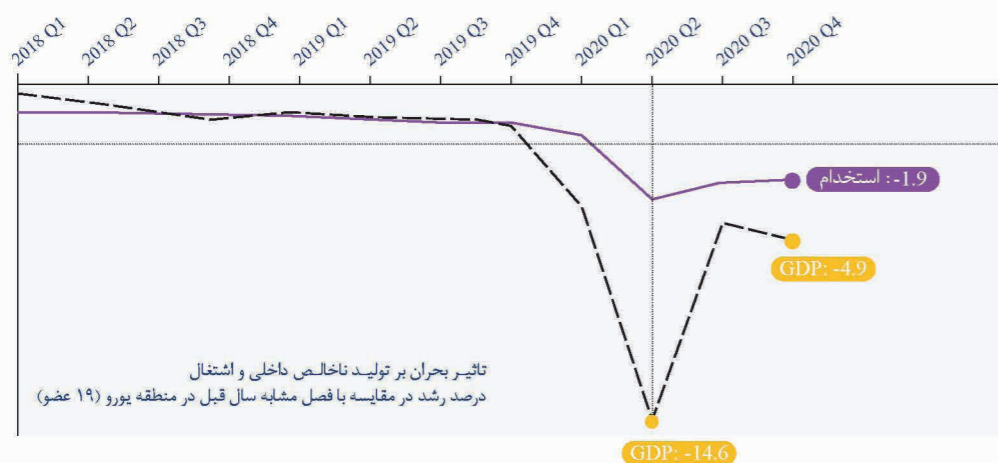
برنامه SURE<sup>1</sup>: ابزار پشتیبانی موقت برای کاهش خطرات بیکاری در مواقع اضطراری بیش از ۱۰۰ میلیارد یورو وام برای محافظت از مشاغل

برنامه EGF<sup>2</sup>: صندوق ضمانت بانک سرمایه‌گذاری اروپا ۲۰۰ میلیارد یورو وام برای حمایت از مشاغل

مکانیزم ESM<sup>3</sup>: (پشتیبانی در بحران‌های همه‌گیر): بیش از ۲۴۰ میلیارد یورو وام به کشورهای منطقه یورو برای حمایت از هزینه‌های بهداشتی مربوط به COVID-19

[1] Instrument for temporary Support to mitigate Unemployment Risks in an Emergency  
[2] European Guarantee Fund of the European Investment Bank, EIB  
[3] European Stability Mechanism

### اقدامات اتحادیه اروپا و اعضای آن که به نجات میلیون‌ها شغل و مشاغل کمک کرد



## در چه کشورهایی واکسن‌های چینی استفاده می‌شوند

کشوهایی که به‌طور کامل واکسن‌های چینی را برای مقابله با کرونا مجاز اعلام کرده‌اند. (تا ۲۸ ژوئن ۲۰۲۱)



### هزینه تاخیر در واکسیناسیون بر دوش آسیا

پیش‌بینی میزان کاهش تولید ناخالص داخلی از سال ۲۰۲۲ تا ۲۰۲۵ به واسطه تاخیر در واکسیناسیون براساس مناطق دنیا و سطح توسعه یافتگی (به درصد)



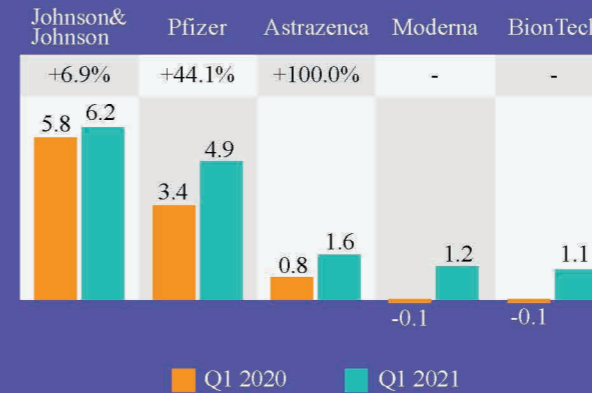
## بهبود اقتصاد جهانی در دوران پس از همه‌گیری کرونا

(نظرسنجی)



منابع  
 • THE WORLD BANK  
 • global barometer  
 • STATISTA  
 • Eurostat data

## افزایش سود شرکت‌های داروسازی با واکسن کووید ۱۹

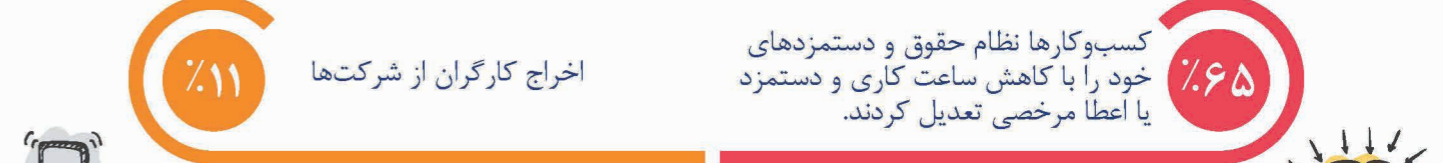


سود شرکت‌های داروسازی در فصل اول (Q1) ۲۰۲۰ و فصل اول (Q1) ۲۰۲۱ (به میلیارد دلار آمریکا)

چگونه کووید ۱۹ بر شرکت‌های سراسر جهان تأثیر می‌گذارد  
 (در فاصله بین اکتبر ۲۰۲۰ و ژانویه ۲۰۲۱، نسبت به قبل از همه‌گیری)



## با وجود شوک شرکت‌ها به کارگران خود کمک کردند



## شرکت‌ها به اندازه کافی با راهکارهای دیجیتالی سازگار نشدند. به خصوص در کشورهای فقیرتر و شرکت‌های کوچک‌تر.



## سیاست‌های حمایتی ضعیف است به خصوص در جایی که بیشترین نیاز به آن وجود دارد: در کشورهای فقیرتر و برای شرکت‌های کوچک‌تر



یک دهم شرکت‌ها در کشورهای با درآمد پایین، از حمایت عمومی برخوردار شدند.

یک پنجم شرکت‌هایی که به دلیل کووید ۱۹ هیچ شوکی را تجربه نکرده‌اند از حمایت عمومی برخوردار شده‌اند که نشان می‌دهد منابع مالی می‌توانست به طور کارآمدتری هزینه شود.

# سبز شویی



سینا زارعی

کارشناس مدیریت ارتباطات • بانک خاورمیانه

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها مفهومی نسبتاً جدید و مربوط به چند دهه اخیر است که توجه بسیاری از شرکت‌ها و مخاطبان آن‌ها را به خود معطوف کرده است. رعایت مسائل زیست‌محیطی از جمله کمک به کاهش آلودگی‌های آب، خاک، هوا، تلاش برای کاستن مصرف کربن، پلاستیک، کاغذ؛ توجه به مسائل اجتماعی مانند ایجاد عدالت در جذب نیروی کار به لحاظ تنوع نژادی، جنسیتی، قومی، مذهبی و... از مهم‌ترین مولفه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها است. بسیاری از شرکت‌های بزرگ دنیا معمولاً گزارش مسئولیت اجتماعی خود را در قالب گزارشگری پایداری و استاندارد GRI برای ذینفعان خود از جمله مصرف‌کنندگان، سهامداران، تامین‌کنندگان، کارمندان، جامعه و غیره منتشر می‌کنند و این ذینفعان بر اساس این گزارش‌ها تصمیم به ادامه سرمایه‌گذاری، خرید و همکاری با آن شرکت می‌گیرند. با تجاری شدن همه عرصه‌های زندگی بشر، نگرانی‌هایی بابت انگیزه شرکت‌ها نسبت به توجه به محیط زیست و گزارش مسئولیت اجتماعی آن‌ها پدید آمده است و بسیاری این تلاش‌ها را برای فروش بیشتر می‌دانند و گاهی فعالیت‌های محیط زیستی این شرکت‌ها را نه اقدامی جدی برای حفظ محیط زیست بلکه سبزشویی تلقی می‌کنند.

در این پرونده با نگاهی به مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، اقدامات زیست‌محیطی آن‌ها در زمینه گوناگونی نیروی کار، گزارشگری پایداری و آب ایران به عنوان یک مسئله و مسئولیت اجتماعی را بررسی کرده‌ایم. ■

گوناگونی  
نیروی کار

۲۰

گزارشگری  
پایداری

۲۲

آب، مسئله  
و مسئولیت  
اجتماعی

۲۶

پدر صنعت  
لوازم خانگی

۲۹

# گوناگونی نیروی کار

کافیست معادل انگلیسی کلمات «نفع» و «کسب و کار» را در موتور جست‌وجوی گوگل تایپ کنید تا با تعداد پرشمار مقالات و کتاب‌ها در این زمینه روبرو شوید. همین موضوع به خوبی نشان می‌دهد در میان تئوری‌های پر شمار، «نفع» به عنوان عنصر کلیدی سازمان‌ها و کسب و کارها در نظر گرفته شده و فرض بر این گذاشته می‌شود که اهداف سازمان‌ها در جهت پیشینه‌کردن نفع است. اگر شما هم طرفدار همین جریان باشید باید بدانید یکی از کلیدی‌ترین مفاهیمی که امروزه حداقل در سطح مطالب عامه‌پسند مدیریتی از آن صحبت می‌شود موضوع «گوناگونی نیروی کار»<sup>۱</sup> است.

در ساده‌ترین تعاریف، محیط کاری را گوناگون می‌دانند که افرادی از سنین، نژادها، جنسیت، زبان و پیشینه‌ی فرهنگی متفاوتی را استخدام می‌کند، اما این تعاریف در طول زمان اشکال دقیق‌تری به خود گرفتند و خود را بر مفاهیمی چون تنوع در «تجربه‌ی زیستی»، «گرایش»، «آگاهی شناختی» و «فاکتورهایی از این دست استوار کردند. در این مطلب ابتدا نگاهی به پیشینه مفهوم تنوع نیروی کار شده و در ادامه نتایج جست‌وجو در مطالب اینترنتی در خصوص فواید گوناگون و بخش‌هایی از یک تحقیق علمی‌تر در هاروارد بیزینس ریویو درج شده است. اهمیت «مدیریت گوناگونی» و «گوناگونی به عنوان یک تهدید» نیز در پایان مورد بحث قرار گرفته است.

## اما این موضوع از کجا آغاز شد؟

قرن بیستم قرن بسیار مهم در زمینه حقوق و خواسته‌های اقلیت‌ها بود. محیط کار در جهان طی این قرن تغییر شدیدی را تجربه کرد. جدی‌ترین عنصر گوناگونی که در این زمینه با تغییر روبرو شد عنصر «گوناگونی جنسیتی» بود. تا اوایل قرن بیستم در کشوری مانند ایالات متحده تعداد کمی از زنان بیرون از خانه مشغول به کار بودند. کسانی که کاری داشتند اغلب مجرد بودند و در دسته‌بندی نیز تنها ۲۰ درصد از آن‌ها تحت عنوان «کارگر پردرآمد» قرار داشتند. با اوج‌گیری جنبش‌های زنان اما این وضعیت تغییر کرد. زنان به خاطر چهره‌ی مردانه‌ی نیروی کار، به عنوان یک اقلیت وارد بازار کار شدند و در کنار اینکه استخدام آن‌ها در شغل‌های کمتر تخصصی با مطالبه دستمزد پایین‌تر برای کارفرما نفع اقتصادی به همراه داشت، به نوعی نمادی از رعایت نزاکت سیاسی<sup>۲</sup> نیز محسوب می‌شد. پس کارفرماها با تنوع برخورد کردند.

در همین حال شمار مهاجران در جهان هر روز بیشتر می‌شد. طبق آمارهای «مجمع جهانی اقتصاد» شمار مهاجران از سال ۱۹۹۵ تاکنون هر سال حدود ۳ درصد رشد داشته و در سال ۲۰۱۹ شمار مهاجران در دنیا به ۲۷۲ میلیون نفر رسید است. این آمار بر گوناگون شدن برخی کشورها از منظر ملیت و نژاد جمعیت و در نتیجه نیروی کار افزود.

مهاجران نیز به عنوان اقلیت در نیروی کار مطرح شدند. دیگر اقلیت‌ها از جمله اقلیت‌های نژادی نیز جنبش‌های مهمی برای افزایش سهم خود از حقوق اجتماعی از جمله شغل داشتند که بر موضوع تاثیر گذاشت. می‌توان گفت تا اینجای کار انگیزه مهم و ایجادکننده گوناگونی نه بهره‌وری بلکه اتفاقات اجتماعی در جهان بود.

## مفهوم علمی گوناگونی

مفهوم گوناگونی نیروی کار در ادامه از حالت یک الزام اخلاقی به روشی برای بالابردن بهره‌وری توسعه پیدا کرد. مفهوم «عصر دانش» یکی از همین موارد است. از هرشی فریدمن کارآفرین و میلیاردر کانادایی این‌طور نقل شده است: «ما در عصر دانش زندگی می‌کنیم و شرکت‌های موفق، آن‌هایی هستند که به بهترین وجه قادر به تحت کنترل قرار دادن دانش جمعی (به هم پیوسته) کارکنان‌شان باشند. دانش جمعی هر گروه به وسیله در بر گرفتن افراد، با تجارب و پیش زمینه‌های متفاوت، افزایش می‌یابد.»

در مفهوم گسترده‌تر گوناگونی که نگاهی علمی‌تر به مسئله دارد، عواملی چون «اصل و نصب»، «مذهب»، «زبان»، «عقاید» و «گرایش‌ها» به عنوان عوامل گوناگونی معرفی می‌شوند.

## مطالب عامه‌پسند در خصوص تاثیر گوناگونی

تحقیقات در مورد تاثیر گوناگونی بر عملکرد را می‌توان به دو دسته تقسیم‌بندی کرد. دسته نخست مطالب اینترنتی عوام‌پسندی هستند که اغلب فواید پرشماری را از جمله «تاثیر بر تصمیم‌گیری بهتر»، «افزایش تعهد کاری کارکنان» و ... برای این



نادی صبوری

روزنامه‌نگار و نویسنده نشریه آفتاب خاورمیانه



1. Workforce Diversity

2. Political correctness مفهومی که بر لزوم عدم رنجش اقلیت‌ها تاکید دارد.

ساسا مفهومی تحت عنوان «مدیریت گوناگونی» ذیل همین مسائل شکل گرفته است.

برایان دی نتو محقق استرالیایی در زمینه گوناگونی، نیروی مدیریت گوناگونی را فرآیند ایجاد، حفظ و نگهداری محیطی می‌داند که به شکل طبیعی این اجازه را به همه افراد می‌دهد تا به پتانسیل کامل خود جهت دستیابی به اهداف سازمانی برسند.

پس به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت اگرچه از منظر مطالب انگیزشی مدیریتی گوناگونی عاملی در جهت بهبودهایی چون «افزایش خلاقیت»، «بهبود شدن سطح تصمیم‌گیری» و مواردی از این دست می‌انجامد اما از منظر تحقیق‌های علمی به خودی خود «لزوما» نمی‌تواند موجب افزایش بهره‌وری و عملکرد شود و آنچه اهمیت دارد مدیریت آن در جهت اهداف سازمان است. نوع گوناگونی نیز در این زمینه تأثیرگذار است و اگرچه فاکتورهایی مثل سن و جنسیت می‌تواند به شکل معناداری از نظر علمی اثر خود را نشان ندهد اما مفاهیمی چون گوناگونی در «آگاهی شناختی» اثرگذار در عملکرد بوده‌اند. می‌توان گفت سازمان‌ها با توجه به تغییرات محیطی در اثر عواملی چون مهاجرت و جنبش‌های مدنی ضد نژادپرستی و تبعیض جنسیتی، با مفهوم گوناگونی روبرو هستند و نیروی کار شامل افرادی است که در نتیجه انواع تفاوت‌ها رفتارهای شغلی متفاوتی دارند. پس بهتر است روش‌های درستی برای مدیریت گوناگونی درون خود داشته باشند تا بتوانند از طیف وسیع‌تری از تجربه‌های زیستی، فرهنگی، عقاید و طرز تفکر استفاده کنند. ■



مفهوم بر می‌شمارند. در همین راستا مطالب اینترنتی پرشماری در مورد ارتباط میان گوناگونی و حوزه‌هایی مانند «خلاقیت» و «نوآوری» نوشته شده است.

برای مثال وب‌سایت اسمال بیزینس در مطلبی می‌نویسد: «نوآوری از توانایی نزدیک شدن به یک مسئله و یافتن راه حل از دیدگاه‌های مختلف ناشی می‌شود. وقتی تیمی از افراد با مهارت دارید که تجربیات زندگی و زمینه‌های فرهنگی متفاوت دارند، احتمال اینکه ایده‌های جدید بگیری بالاتر می‌رود. به عنوان مدیر، می‌توانید از نقاط قوت هر فرد استفاده کنید و آن‌ها را کنار یکدیگر قرار دهید تا روی یک هدف مشترک کار کنید.»

در ادامه این مطلب به گزارشی از گروه مشاوره‌ای بوستون اشاره شده که نشان داده است کسب و کارهایی که در تیم مدیریتی میزان بالاتر از متوسطی از گوناگونی را دارند در بخش «محصولات نوآورانه و خدمات» ۱۹ درصد درآمد بیشتر نسبت به تیم‌هایی گزارش کرده‌اند که فاقد این گوناگونی بوده‌اند.

### تحقیقی از هاروارد بیزینس ریویو

سال ۲۰۱۷ دو محقق هاروارد بیزینس ریویو به بررسی تأثیر گوناگونی بر عملکرد و تصمیم‌گیری پرداختند. این تحقیق از طریق طرح پرسش از مدیران تهیه شده و در ابتدا بر تأثیر عواملی چون «سن»، «جنسیت» و «عقاید» بر خلاقیت و بهره‌وری تمرکز کرد و در ادامه به شکل گسترده‌تر گوناگونی پرداخت.

در ابتدای این مقاله آمده است: «در طول این دوره، ما تمرین اجرای استراتژی با گروه‌های اجرایی را پیش بردیم. تمرکز این موضوع بر مدیریت موقعیت‌های پیچیده، غیر مطمئن و جدید بود. برای این تمرین، گروه احتیاج داشت استراتژی‌ای را فرمول‌بندی و اجرا کند تا نتیجه مشخصی را به دست آورد. این موارد باید در زمانی مشخص انجام می‌شد.»

نکته جالب توجه اینکه بر خلاف اغلب تصورها، عوامل گوناگونی و گوناگونی ظاهری از جمله سن و جنس و عقاید تأثیر قابل توجهی در نتیجه عملکرد این گروه‌های مورد مطالعه نداشت.

آلیسون و لوییس در این مورد می‌نویسند: «تصور برخی خردمندان بر این بوده است که هرچه تیم‌ها دارای گوناگونی بیشتر از منظر سن، عقاید و جنسیت باشند، خلاق‌تر و با بهره‌وری بالاتری خواهند بود. اما این تصور با ۱۰۰ها داده بدست آمده از دنیا در ۱۲ سال همخوانی نداشته و ما همبستگی بین گوناگونی و عملکرد پیدا نکردیم.»

اما آنچه که رابطه‌ای میان نوعی از گوناگونی و عملکرد را به آن‌ها نشان داد گوناگونی در طرز فکر و در آگاهی و شناخت بود. تحقیقات آنها نشان داد، داشتن تفکر گوناگون در هنگام مواجهه با موقعیت‌های ذکر شده، باعث موفقیت بیشتر در عملکرد تیم هنگام مواجهه با این موقعیت هاست.

نکته جالب توجه تفاوت لحن نگارش و بیان این مقاله با مطالب اینترنتی موجود از جمله اسمال بیزینس است. آنچه بر لزوم توجه به این تفاوت می‌افزاید این است که در مطلب مندرج در اسمال بیزینس به نتایج مقاله‌ی هاروارد بیزینس ریویو به عنوان پشتیبانی ایده تأثیر گوناگونی بر عملکرد پرداخته شده بود حال آنکه مشاهده می‌شود این تحقیق صراحتاً چنین نتیجه‌گیری نداشته است.

### تهدید یا فرصت

«گوناگونی» لزوماً در تمام تئوری‌ها نه یک فرصت بلکه گاهی «تهدید» تلقی می‌شود. برای مثال جان ام بریسون در بخشی از کتاب «برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های عمومی و غیر انتفاعی» می‌نویسد: «رهبران و مدیران با چالش‌های مختلفی روبرو هستند. از جمله چالش‌هایی که در دو دهه اخیر بر ایالات متحده سایه افکنده است باید به جمعیت سالخورده و گوناگونی اشاره کرد.»

از سوی دیگر ساخت یک محیط گوناگون از نظر سازمانی کاری ساده نیست و نمی‌توان گفت صرف وجود افرادی با ملیت، سن، رنگ و پوست مختلف در یک محیط کاری، آنجا فضایی است که بتواند موجب بالا رفتن بهره‌وری از طریق گوناگونی شود. یکی از بهترین تعریف‌ها در خصوص گوناگونی به تعریف سوباش و کوندو برمی‌گردد. آن‌ها بر لزوم «هم‌زیستی» کارکنان با یکدیگر در درون شرکت از طبقات اجتماعی- فرهنگی مختلف تأکید می‌کنند.

طبق تعاریف موجود لازمه مدیریت گوناگونی نیروی کار، ساختن محیطی سازمانی است که مردم از فرهنگ‌های مختلف، پیشینه‌های اجتماعی و دیگر شعاع‌ها می‌توانند کار کنند و وجود داشته باشند.

# گزارشگری پایداری<sup>۱</sup>



ترجمه و تلخیص: یلدا عبداللهی

کارشناس مدیریت بین‌الملل • بانک خاورمیانه

طی ۲۰ سال گذشته، بسیاری از روسا و مدیران سازمان‌های مردم‌نهاد (NGO)، مشاوران و دانش‌گامیان آینده‌نگر نظریه‌ای مطرح نمودند که چگونه سازمان‌ها می‌توانند هم‌زمان با در نظر گرفتن مسوولیت‌های اجتماعی و برخورداری از نظام مدیریتی سبز، پیشرفت نموده و به موفقیت دست یابند. آنان بر این باورند که اگر سازمان‌ها متعهد شوند که عملکرد خود در خصوص پایداری را به صورت عمومی اندازه‌گیری و گزارش کنند، چهار مورد زیر اتفاق خواهد افتاد:

۱. شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت‌ها (ESG)<sup>۲</sup> بهبود می‌یابد.

۲. پیوند قوی‌تر شرکت‌ها با پایداری باعث افزایش حقوق صاحبان سهام می‌شود.

۳. سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان، ارزش زیادی برای سازمان‌های با عملکرد پایداری مناسب قائل هستند و به سازمان‌هایی که از این امر عقب مانده‌اند، در این خصوص فشار می‌آورند.

۴. روش‌های اندازه‌گیری تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی، سخت‌گیرانه‌تر، دقیق‌تر و در سراسر جهان پذیرفته‌شده‌تر خواهد شد.

در سال ۲۰۱۱ نویسندگان مقاله‌ای در HBR<sup>۳</sup> تحت عنوان «اقتصاد پایدار»<sup>۴</sup>، بر این باور بودند که به زودی، پایداری به عنوان نحوه انجام کسب‌وکار تعریف خواهد شد. نظر آن‌ها تا حدی ثابت شده است: در دو دهه اخیر تعداد شرکت‌هایی که گزارش‌های مسوولیت اجتماعی شرکتی (CSR)<sup>۵</sup> را ثبت و از استانداردهای GRI<sup>۶</sup> پیروی می‌کنند، صد برابر شده است. همچنین، طبق اعلام اتحادیه جهانی سرمایه‌گذاری پایدار<sup>۷</sup>، سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در این زمینه به بیش از ۳۰ تریلیون دلار رسیده است.

با این وجود، نگاهی دقیق‌تر به شواهد نشان می‌دهد که تأثیر جنبش اندازه‌گیری و گزارش‌دهی تا حدی بی‌نتیجه بوده است. در طول این بیست سال، با وجود افزایش گزارش‌دهی و سرمایه‌گذاری‌های پایدار، افزایش انتشار کربن ادامه داشته و آسیب‌های زیست‌محیطی نیز بیشتر شده، همچنین نابرابری‌های اجتماعی نیز در حال افزایش است. به نظر می‌رسد گزارش‌دهی به تنهایی عامل پیشرفت نیست، به دلیل اینکه اندازه‌گیری‌ها اغلب غیراستاندارد، ناقص، نادرست و گمراه‌کننده هستند. همچنین تمرکز زیاد بر گزارش‌دهی ممکن است خود، مانعی برای پیشرفت نیز باشد و سازمان‌ها را از اهداف و نیازهای واقعی‌شان منحرف کند.

## عدم اندازه‌گیری

شرکت تیمبرلند که یک تولیدی کفش و پوشاک است، همواره به طور هم‌زمان برای کسب و کار خود و فلسفه عدالت اجتماعی اهمیت قائل بوده است. رویکرد

## نویسندگان

Kenneth P. Pucker

مدرس ارشد Fletcher School

مدرس Questrom School of Business

۱- این مطلب تلخیص و ترجمه مقاله Sustainability Reporting نشریه Harvard Business Review است که در ژوئن ۲۰۲۱ منتشر شده است.

2. Environmental, Social and Governance (ESG)  
3. Harvard Business Review  
4. The Sustainable Economy  
5. Corporate Social Responsibility (CSR)  
6. Global Reporting Initiative (GRI)  
7. Global Sustainable Investment Alliance

**زنجیره تامین مبهم:** تصمیمات اتخاذ شده در رابطه با نیروی کار ارزان تر، منجر به گسترش بیش از حد زنجیره های تامین می شود که در آن تولیدکنندگان، اغلب به مصرف کنندگان نهایی نزدیک نیستند. برای مثال در صنعت پوشاک و کفش، زنجیره های تامین از نظرها ناپدید شده اند. سال ها پیش در تیمبرلند، تقریباً تمام کفش ها و چکمه ها در کارخانه های این شرکت در آمریکا تولید می شد. امروزه حداقل ۸۵ درصد از تولیدات برندهای مختلف، در خارج از کشور و اغلب در آسیا تولید می شود. علاوه بر این در بیشتر صنایع، زنجیره های تامین چندلایه شده اند و کارها به طور فزاینده ای به پیمانکاران سپرده می شود که این امر قابلیت ردیابی و کنترل های زیست محیطی را با مشکل مواجه ساخته است.

**پیچیدگی:** پیشرفت های تکنولوژی، ابزارهای جدیدی برای اندازه گیری و نظارت بر تأثیرات زیست محیطی شرکت ها ارائه نموده است. با این حال، گزارش شاخص های مهم پایداری هنوز دارای شکاف هایی است. برای مثال، یک شرکت برای اندازه گیری دقیق ردپای انتشار کربن باید سه نوع انتشار را اندازه گیری نماید: آن هایی که توسط دستگاه ها و وسایل نقلیه شرکت تولید می شود و تحت کنترل مستقیم خود شرکت است (محدوده اول)، آن هایی که مربوط به برق خریداری شده توسط شرکت است (محدوده دوم)، آن هایی که توسط تامین کنندگان، توزیع کنندگان، کارکنان و در پی استفاده از محصولات شرکت تولید می شود (محدوده سوم). طبق اطلاعات موجود، کمتر از نیمی از شرکت هایی که چنین داده هایی را ارائه می نمایند، اطلاعات مربوط به محدوده سوم را نیز ردیابی و گزارش می کنند. این مشکل کوچکی نیست، به این دلیل که در مورد بیشتر شرکت ها، محدوده سوم نشان دهنده بیشترین میزان انتشار گازهای گلخانه ای است. به عنوان مثال، تیمبرلند در سال ۲۰۰۹ تخمین زد که بیش از ۹۵ درصد انتشار کربن آن شرکت، در محدوده سوم قرار می گیرد و قابل اندازه گیری نیست. پیچیدگی، فقدان ابزار مناسب و عدم اندازه گیری توسط تامین کنندگان و مصرف کنندگان، دسترسی به داده های مورد نیاز برای اندازه گیری کامل انتشارات را تقریباً غیرممکن می سازد. (تصویر «چالش ردیابی انتشارات محدوده ۳»)

**اطلاعات گیج کننده:** حتی برای مصرف کنندگانی که به مساله پایداری اهمیت می دهند و اطلاعات مربوط به این موضوع را دنبال می کنند نیز گزارش های CSR گیج کننده است. برای مثال، یک مصرف کننده چگونه می تواند اظهارات شرکت پاتاگونیا<sup>۹</sup> مبنی بر اینکه یکی از ژاکت های پشمی آن شرکت ۲۰ پوند CO<sub>2</sub> تولید می کند را تفسیر نماید، یا اظهارات لیوایز<sup>۸</sup> در این خصوص که تولید و مراقبت بعدی (شستشو) یک جفت شلوار جین آن شرکت، ۴۸/۹ گرم فسفر به آب شیرین یا محیط زیست دریایی اضافه خواهد کرد. درک و تفسیر اطلاعات مربوط به تأثیرات زیست محیطی برای مصرف کنندگان بسیار دشوار است. مقدار آب مورد نیاز برای تولید یک بطری یک لیتری کوکاکولا را در نظر بگیرید؛ برآورد شرکت کوکاکولا با توجه به روش تولید، از کمتر از دو لیتر تا ۷۰ لیتر آب متغیر است!

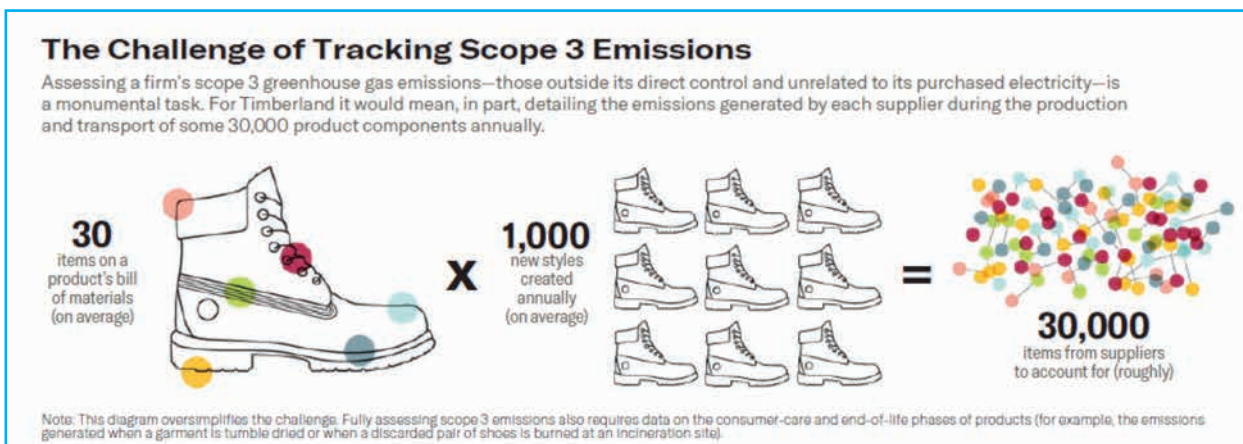
این شرکت بر پایه سه رکن استوار بوده: احترام به حقوق بشر، حفاظت از محیط زیست و خدمات اجتماعی. تیمبرلند از اولین شرکت های سهامی عام بوده که در کارخانه های خود از انرژی تجدیدپذیر استفاده نموده و همچنین با چاپ نشانه های سبز و برچسب گذاری بر روی جعبه های کفش خود، مصرف کنندگان را از تأثیرات اجتماعی و زیست محیطی محصولات مطلع می نمود. علاوه بر این از سال ۲۰۰۱، گزارش مسوولیت اجتماعی شرکتی را منتشر و از سال ۲۰۰۸ نیز این گزارش را همراه با گزارش های مالی خود به صورت سه ماهه ارائه می کرد. توجه هم زمان تیمبرلند به کسب و کار و عدالت اجتماعی، نتایج مالی بسیار خوبی برای شرکت رقم زد و همچنین فرهنگ سازمانی قدرتمندی ایجاد نمود. با وجود نیت خوب مدیران، افزایش درآمد و بهبود ردپای زیست محیطی شرکت، پس از فروش تیمبرلند به شرکت VF در سال ۲۰۱۱، جعبه کفش ها دیگر با نشان سبز برچسب گذاری نشد و گزارش های زیست محیطی شرکت نیز دیگر منتشر نگردید. به نظر می رسد گزارش دهی به تنهایی باعث بهبود شرایط اجتماعی و زیست محیطی نمی شود. هر چند تاکنون برخی از محققان میان عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) شرکت ها و بازدهی مالی آن ها رابطه ای یافته اند، اما دقیقاً مشخص نیست که میان آن دو همبستگی وجود دارد و یا هر دو مورد تابعی از نحوه مدیریت است.

### مشکلات موجود در گزارشگری

بدون شک توجه به مسائل مربوط به ESG برای شرکت ها، نتایج اجتماعی، زیست محیطی و مالی بهتری به همراه خواهد داشت و ارزش برند آن ها را نیز افزایش می دهد. اما با این وجود، تلاش شرکت ها در این زمینه در مجموع تغییر چندانی برای جامعه و یا کره زمین ایجاد نکرده است. علاوه بر این، گزارشگری در این خصوص نیز به راستی با مشکلاتی همراه است:

**فقدان قوانین و بازرسی:** اکثر شرکت ها برای انتخاب مراجع تنظیم کنندگان استانداردها و همچنین اطلاعاتی که در گزارش های پایداری خود لحاظ می کنند، اختیار کامل دارند. علاوه بر این، اگرچه ۹۰ درصد از بزرگ ترین شرکت های جهان گزارش های CSR را منتشر می کنند، اما درصد بسیار کمی از این گزارش ها توسط یک شخص ثالث به تایید می رسد. بنابراین بسیاری از این اطلاعات ناقص و گمراه کننده است. در مقابل، گزارش های مالی همواره از استانداردهای توافق شده پیروی می کنند و رعایت آن ها نیز توسط مراجعی کنترل می شود.

**اهداف ظاهری<sup>۸</sup>:** بر اساس مطالعه ای در سال ۲۰۱۶ که بیش از ۴۰۰۰۰ گزارش CSR را مورد بررسی قرار داد، کمتر از ۵ درصد شرکت ها به محدودیت های زیست محیطی محدودکننده رشد اقتصادی اشاره نمودند. حتی کمتر از یک درصد آن ها اظهار داشتند که توسعه محصولات خود را با اهداف زیست محیطی همسو می نمایند. در عوض، اکثر شرکت ها اهداف خود را بر اساس توانایی ها و خواسته های خود تعیین می کنند.



8. Specious targets  
10. Levi's

9. Patagonia: شرکت تولید پوشاک

که از موسسات رتبه‌بندی به دست می‌آید دقیق نیست.» علاوه بر این، به نظر می‌رسد رتبه‌دهندگان اغلب از آنچه در داخل شرکت‌ها رخ می‌دهد، بی‌اطلاع هستند.

**عدم امکان مقایسه:** مقایسه شرکت‌ها بر اساس عملکرد ESG تقریباً غیر ممکن است. برای مثال، شرکت‌های فعال در زمینه نفت و گاز، عملکرد پایداری خود را به شکل‌های متفاوتی گزارش می‌کنند. طبق تحقیقات انجام شده، از میان ۵۱ شاخص GRI، تنها ۴ شاخص در بیش از ۷۵ درصد گزارش‌ها مشترک بوده است. گاهی اوقات حتی مقایسه عملکرد یک شرکت در دو سال مختلف، به دلیل تغییر در روش اندازه‌گیری یا معیارها و استانداردهای مورد استفاده در تهیه گزارش‌ها نیز دشوار است.

**چالش‌های موجود در ارزیابی موفقیت در سرمایه‌گذاری‌های مسولیت اجتماعی:** تا به امروز، تقریباً تمرکز کلیه تحقیقات آکادمیک بر این مساله بوده است که تاثیر دستاوردهای ESG بر عملکرد مالی سازمان‌ها چگونه خواهد بود و تحقیقات بسیار کمی در مورد تاثیرات سرمایه‌گذاری در زمینه ESG بر کارکنان یا منابع طبیعی انجام شده است. طبق مطالعات اخیر، شرکت‌ها، از اطلاعات ESG بیشتر در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد خرید سهام (به منظور بهینه‌سازی عملکرد مالی) استفاده می‌کنند و هیچ استراتژی سرمایه‌گذاری که نتایج اجتماعی و زیست‌محیطی معناداری را به همراه داشته باشد، وجود نداشته است.

**دشوار بودن افزایش سرمایه‌گذاری‌های تاثیرگذار:** حتی با این فرض که برخی از سرمایه‌گذاری‌ها باعث بهبود شرایط اجتماعی یا زیست‌محیطی می‌شوند، عموماً سرمایه‌ی کافی به این مقوله و به منظور رسیدگی به چالش‌های عظیمی که با آن روبرو هستیم، اختصاص داده نمی‌شود. این امر احتمالاً تا زمانی ادامه خواهد داشت که شرکت‌ها تاثیرات مخرب فعالیت‌شان بر جامعه را نادیده می‌گیرند.

### بر روی چه چیز باید تمرکز کرد

شرکت‌هایی که تلاش‌های صادقانه‌ای برای بهبود عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی خود انجام داده‌اند، عموماً رفتار مشابهی دارند. تمرکز آن‌ها بر پارامترهایی بوده است که بدون ایجاد تغییر در ساختار سیستم کلان، با افزایش یا کاهش آن پارامترها، عملکرد شرکت تغییر می‌یابد. با این حال، محققان دریافتند که این پارامترها به ندرت، منابع تاثیر واقعی هستند. تاثیرگذارترین عوامل، معمولاً خارج از کنترل شرکت‌ها و افراد است. چنین عواملی در دنیای شرکت‌ها محبوب نخواهد بود، زیرا مستلزم تغییر در قوانین حاکم بر رفتار شرکت‌ها، قیمت‌گذاری مجدد منابع به منظور جلوگیری از شکست‌ها، تغییر ساختار تخصیص دارایی‌های عمومی و نحوه توزیع قدرت است. متأسفانه تاکید بیش از حد اتحادیه پایداری بر اندازه‌گیری و گزارشگری، باعث به وجود

**عدم توجه به کشورهای در حال توسعه:** تمرکز بیشتر اتحادیه پایداری، عمدتاً بر شرکت‌های آمریکایی و اروپایی است. این در حالی است که در دهه‌های آینده، بیشترین میزان افزایش در مصرف، انتشار گازهای گلخانه‌ای و تاثیرات اجتماعی در چین، هند و آفریقا خواهد بود. در حال حاضر، تولیدکنندگان در کشورهای در حال توسعه برای رشد بیشتر، به بازارهای داخلی خود روی آورده‌اند. اگر امیدی به حفظ منابع اساسی جهانی وجود داشته باشد، شرکت‌های فعال در آن بازارها، می‌بایست مدیران بسیار کارآمدتری برای منابع موجود باشند.

### مشکلات موجود در سرمایه‌گذاری پایدار<sup>۱۱</sup>

با وجود اینکه گزارشگری CSR دارای نقص‌ها و مشکلاتی است، اما تقاضا برای سرمایه‌گذاری پایدار به سرعت در حال افزایش است و به نظر می‌رسد تاثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی مثبتی را به همراه داشته است. با این حال حتی اگر فرض کنیم اکثر سرمایه‌گذاران هم به این مسائل اهمیت زیادی می‌دهند، باز هم روشن نخواهد بود که توجه آن‌ها می‌تواند پیشرفت اجتماعی و زیست‌محیطی واقعی را رقم بزند یا خیر. برخی از دلایل موجود به شرح ذیل است:

**تعاریف نامشخص پایداری:** بر اساس اظهارات اتحادیه جهانی سرمایه‌گذاری پایدار، از هر سه دلار که در زمینه مسولیت‌های اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌شود، حدوداً دو دلار در دسته «غریبالگرمی منفی» قرار می‌گیرد، این دسته وجوهی هستند که به دلیل جلوگیری از سرمایه‌گذاری‌های دخانیات، سلاح گرم و سایر موارد مشابه، در زمره سرمایه‌گذاری‌های پایدار قرار گرفته‌اند. چنین سرمایه‌گذاری، ممکن است برای سرمایه‌گذاران جذاب باشد، اما هیچ‌گونه تاثیری بر ترویج فعالیت‌های ESG ندارد. حتی این واقعیت نگران‌کننده‌تر است که وجوهی که به صورت مشخص به عنوان سرمایه‌گذاری‌های پایدار به بازار عرضه شده، لزوماً در این مسیر استفاده نمی‌شود. تحقیقات وال‌استریت ژورنال<sup>۱۲</sup> در سال ۲۰۱۹ نشان داد که تعداد ۸ مورد از ۱۰ منابع مالی بزرگ ESG، در شرکت‌های نفت و گاز سرمایه‌گذاری شده است.

**رتبه‌بندی‌های غیرقابل اعتماد:** جان ال‌کینگتون<sup>۱۳</sup>، بنیان‌گذار جنبش پایداری، در سال ۱۹۹۴ چهارچوبی را برای گزارشگری پیشنهاد نمود. از آن زمان ده‌ها چهارچوب دیگر ارائه شده و تعداد تنظیم‌کنندگان استانداردها و موسسات رتبه‌بندی نیز افزایش چشمگیری یافته است. اما رشد تعداد این موسسات، اعتبار رتبه‌بندی‌ها را افزایش نداده است. محققان دانشکده مدیریت دانشگاه MIT اخیراً مطالعه‌ای را روی شش شرکت برتر رتبه‌بندی ESG انجام داده و به این نتیجه رسیدند که «نتایج رتبه‌بندی انجام شده توسط موسسات مختلف، به‌طور قابل توجهی متفاوت است. همبستگی بین این رتبه‌بندی‌ها به‌طور متوسط ۰/۵۴ بوده و از ۰/۳۸ تا ۰/۷۱ متغیر است. این نشان می‌دهد که اطلاعاتی



11. Sustainable Investing  
13. Wall Street Journal

12. Negative Screen  
14. John Elkington

که بازار به تنهایی چالش‌های اجتماعی و زیست‌محیطی را برطرف نخواهد کرد. سیر پل کالیر<sup>۱۴</sup>، اقتصاددان انگلیسی، وضعیت را به خوبی توضیح داده است: «نظام سرمایه‌داری با سیستم اتوماتیک کار نمی‌کند. سرمایه‌داری به صورت دوره‌ای، در طول تاریخ ۲۵۰ ساله خود، از خط خارج شده است و هنگامی که این اتفاق می‌افتد، این وظیفه سیاست عمومی است که آن را روی خطوط بازگرداند، در واقع سیاست عمومی و تلاش شهروندان، شرکت‌ها و خانواده‌ها.»

در نهایت، شرکت‌ها در یک سیستم گسترده‌تر فعالیت می‌کنند. تفکر همیشگی تقدم سهامداران، برای مدیران و سرمایه‌گذاران خوب بوده، اما برای نسل‌های جوان نتایج سرسام‌آوری به ارمغان آورده است.

این نتایج شامل تخریب محیط‌زیست، از بین رفتن تنوع زیستی، نابرابری درآمد و تغییرات زیست‌محیطی است. ثبات و رفاه آینده، مستلزم آن است که رهبران و مدیران اجرایی از تغییرات ساختاری حمایت نمایند. آن‌ها نیز مانند سایر اعضای اتحادیه پایداری، می‌خواهند دنیایی بهتر از آنچه را که به ارث برده‌اند، به آیندگان بسپارند. ■



آمدن تاخیر در ایجاد تغییرات ساختاری مورد نیاز شده است. گرتا تانبرگ<sup>۱۵</sup>، فعال محیط‌زیست، در سخنرانی خود در سال ۲۰۱۹ به این موضوع اشاره نمود که «بزرگ‌ترین خطر، عدم فعالیت نیست. بزرگ‌ترین خطر زمانی است که سیاستمداران و مدیران عامل طوری جلوه می‌دهند که کارهای بزرگی در حال انجام است اما در واقعیت هیچ کاری انجام نشده است.»

البته این به آن معنا نیست که سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها نمی‌توانند تغییری ایجاد کنند. تعهد شرکت‌ها به اهداف علمی، یکی از راه‌های امیدوارکننده برای بهبود شرایط است. این خبر خوبی است که شرکت‌هایی نظیر اپل و مایکروسافت قدم‌های مثبتی در مورد مطابقت محدوده انتشار گازهای گلخانه‌ای خود<sup>۱۶</sup> با چهارچوب‌های زیست‌محیطی برداشته‌اند. BMW نیز به تازگی اعلام نموده است ردپای کربنی تامین‌کنندگان، یک عامل کلیدی در تصمیم‌گیری‌های خرید آینده این شرکت خواهد بود. Climate Trace نیز که بخشی از آن متعلق به گوگل است، در حال ساخت یک ابزار ماهواره‌ای برای اندازه‌گیری انتشارات گازهای گلخانه‌ای، از جمله انتشارات محدوده سوم است.

اما اگر بخواهیم منحنی نزولی برای انتشارات گازهای گلخانه‌ای داشته باشیم و چالش‌های رو به رشد زیست‌محیطی و اجتماعی را به طور موثر برطرف نماییم، به یک رویکرد تهاجمی‌تر نیاز داریم. پیشنهادی زیر به این منظور ارائه شده‌اند: اندازه‌گیری کمتر، بهتر است؛ ازدیاد نهادها و چهارچوب‌های موجود در مورد اندازه‌گیری‌های ESG برای شرکت‌ها، گیج‌کننده، سنگین و طاقت‌فرسا است. همکاری پنج سازمان، از جمله GRI و هیات حسابداری استانداردهای پایداری (SASB<sup>۱۷</sup>)، به منظور ساده‌سازی و هماهنگ‌سازی استانداردهای موجود، تحسین برانگیز است. کمیسیون اروپا<sup>۱۸</sup> و بنیاد استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی<sup>۱۹</sup> (IFRS) نیز تلاش‌هایی را برای بهبود شیوه‌های گزارش‌دهی انجام می‌دهند. امید است که این تلاش‌ها به تعهدی برای هدف‌گذاری‌های علمی، با در نظر گرفتن محدودیت‌های طبیعت بیانجامد. در نهایت اینکه چه استانداردی حاکم باشد حائز اهمیت نیست، گزارش‌های پایداری می‌بایست توسط یک مرجع توانمند، تعیین و ارزیابی شود.

**حرکت کنید:** منافع شخصی و لختی سیستم موانع مهمی برای پیشرفت بوده‌اند. تلاش برای قانون‌مدار بودن، دستاوردهای متعددی را برای کسب‌وکارها به دنبال داشته و باعث رشد زیادی شده است. با این حال، با توجه به اینکه تبعات تغییرات زیست‌محیطی به سرعت در حال افزایش است، جنبش‌های مردمی در سراسر جهان شکل گرفته و به آن چیزی تبدیل شده که جان لوئیس<sup>۲۰</sup>، قهرمان حقوق مدنی، آن را «دردسرخ خوب» نامید.

بودجه دولتی را برای امور مناسب هزینه کنید: بر اساس گزارش صندوق بین‌المللی پول (IMF)، در سال ۲۰۱۷ یارانه‌های جهانی برای سوخت‌های فسیلی به ۵ تریلیون دلار رسید. در ایالات متحده، ده‌ها میلیارد دلار به یارانه سوخت‌های زیستی<sup>۲۱</sup> از جمله اتانول اختصاص یافته است. این موضوع بی‌معنی است، ما از پول مالیات‌دهندگان برای کمک هزینه به منابع انرژی استفاده می‌کنیم که خود آسیب‌های زیست‌محیطی آینده را تسریع می‌کند. در عوض دولت‌ها می‌توانند این منابع را در تحقیق و توسعه برای جمع‌آوری کربن<sup>۲۲</sup>، مجهزسازی ساختمان‌ها و یا ایجاد زیرساخت‌هایی برای رشد سریع‌تر انرژی‌های تجدیدپذیر سرمایه‌گذاری نمایند.

**سیستم را تغییر دهید:** مدیران اجرایی و سرمایه‌گذاران، مطابق با قوانین و مقررات سیستم عمل می‌کنند. اگر قرار باشد رفتار آن‌ها تغییر کند، قوانینی که دولت‌ها وضع و اجرا می‌کنند نیز باید تغییر کند. به طور خاص، شرکت‌ها نباید بتوانند دستگاه نظارتی را انتخاب کنند؛ میزان انتشار کربن باید محدود و یا برای آن مالیات وضع شود تا هزینه‌های اجتماعی آن قابل محاسبه باشد؛ صنعت کشاورزی باید به تغییر رویه از انتشار کربن به جلوگیری از انتشار آن تشویق شود و قانون‌گذاران باید ساخت نیروگاه‌های حرارتی جدید زغال‌سنگ را ممنوع کنند. یک سیستم پایدار در نهایت مستلزم تغییر الگو از هدف‌گذاری ایجاد ثروت به هدف رفاه و بهبود شرایط و همچنین تغییر تمرکز بر تولید ناخالص داخلی به تمرکز بر شاخص زندگی بهتر<sup>۲۳</sup> است.

تعهد به مفاهیمی مانند اصلاح صنعت کشاورزی، استفاده مجدد و منافع جمعی، اولین قدم‌ها در مسیر درست خواهد بود. پس از دو دهه تلاش، مشخص است

15. Greta Thunberg

16. Net-zero trajectories for scope 3 emissions

17. Sustainability Accounting Standards Board

18. European Commission

19. International Financial Reporting Standards Foundation

20. John Lewis

21. Biofuels

22. Carbon capture

23. OECD's Better Life Index

24. Sir Paul Collier

# آب، مسئله و مسوولیت اجتماعی



فرداد احمدی  
کارشناس مسائل اجتماعی محیط زیست

به گفته برخی کارشناسان، جنگ ۸ ساله ایران و عراق و هدف قرار گرفته شدن صنایع پرارزش نفتی واقع در سواحل خلیج فارس توسط حکومت صدام حسین و نیز آمریکا مسبب نوعی نگرش امنیتی نسبت به جانمایی صنایع و کارخانه‌ها بین مسوولان ایرانی شد. مشخصاً مورد فولاد مبارکه به نمادی برای اشاره به این نگرش درآمده است. این مجتمع که برنامه‌ریزی ساخت آن پیش از انقلاب اسلامی انجام شده، قرار بود در استان هرمزگان و در مجاورت سواحل خلیج فارس احداث شود، اما تهدیدهای جنگ باعث شد که مسوولان مسئله ضریب امنیت جانمایی کارخانه را به طور جدی مد نظر قرار دهند. در نتیجه، این کارخانه به یکی از استان‌های مرکزی ایران یعنی اصفهان برده شد و قرار شد آب آن از زاینده‌رود تامین شود.

نگرش امنیتی به مکان احداث صنایع بعد از پایان جنگ به اتمام نرسید و حتی امروز هم نقش اصلی را در جانمایی صنایع ایفا می‌کند. می‌توان یکی از دلایل تداوم آن را باقی ماندن تهدید جنگ علیه ایران طی این سال‌ها دانست. اما فقط نگاه‌های امنیتی مسوولان نبوده که موضوع تامین آب صنایع را به مولفه دست‌چندمی و قابل نادیده گرفتن تقلیل داده است. همان‌طور که یک کارشناس حوزه فولاد به نام مجید رضایپور به روزنامه صمت گفته است، پس از فولاد مبارکه اکثر واحدهایی که در حوزه فولاد تاسیس شدند سلیقه‌ای و با اعمال فشار ایجاد شدند. به عبارت دیگر، این واحدها با نفوذ نمایندگان مجلس یا استانداران ... و به منظور ایجاد اشتغال در زادگاه یا حوزه‌های انتخابیه مسوولان شکل گرفتند. همین امر را در تاسیس برخی واحدهای پتروشیمی نیز می‌توان ملاحظه کرد. برای مثال، مورد استان سمنان که دو رئیس‌جمهور قبلی ایران متولد آنجا هستند قابل تامل است.

به گزارش ایرنا، در استان سمنان کل آب تولید شده در یک سال حدود یک میلیارد و ۲۴۸ میلیون مترمکعب است که تقریباً تمامی آن به مصارف کشاورزی، صنعتی و شرب می‌رسد و سهم صنعت در حال حاضر حدود ۳۷ میلیون مترمکعب در سال است. حال سیاست‌گذاری‌هایی انجام شده که این استان صنعتی‌تر شود و از قضا سرمایه‌گذاری‌ها روی احداث صنایع پتروشیمی انجام شده که آب‌بر هستند، چاره تامین آب این صنایع نیز در انتقال آب دریای خزر از مسیر مازندران به سمنان اندیشیده شده است. قرار است سالانه ۲۰۰ میلیون متر مکعب آب شیرین‌شده توسط خط لوله از دریای خزر به سمنان آورده شود. سهم آب شرب شهروندان ۵۰

به یاد دارم که در کتاب‌های جغرافیای دوران مدرسه یک چیز درباره ایران مدام تکرار می‌شد. اینکه ایران در منطقه گرم و خشک و نیمه‌خشک واقع شده یا به بیان دیگر، اقلیم ایران گرم و خشک و نیمه‌خشک است. بد نیست در همین ابتدای امر چند آمار رسمی درباره اقلیم کشورمان را مدنظر داشته باشیم تا بتوانیم محتوای گزارش حاضر درباره اهمیت جانمایی شرکت‌ها به عنوان مسوولیت اجتماعی را با در نظر داشتن یک شمای کلی از وضعیت اقلیمی ایران خوانش کنیم:

در مقاله‌ای با عنوان «الگوهای تغییرات مکانی و زمانی بارش در ایران» آمده است که واقع شدن ایران بر روی کمربند بیابانی کره زمین، این کشور را در قیاس با میانگین بارش دنیا (۸۱۰ میلی‌متر) به سرزمینی خشک به‌ویژه در نواحی کم‌عارضه و کم‌ارتفاع شرقی و داخلی‌اش تبدیل کرده است. میانگین بارش در ایران حدود ۲۴۳ میلی‌متر در سال یعنی کمتر از یک سوم میانگین بارش در سراسر زمین است و در مناطق مرکزی آن میانگین بارش‌ها به چیزی حدود ۶۳ میلی‌متر در سال یعنی کمتر از یک سیزدهم میانگین بارش‌های سالانه در جهان می‌رسد. این مقاله همچنین تاکید می‌کند که نوسانات زمانی و مکانی بارش‌ها در ایران بسیار زیاد است.

حال بیاییم عامل مهم دیگری به نام تغییرات اقلیمی را وارد معادله کنیم. هیات بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC) که وظیفه اصلی پایش اثرات تغییرات اقلیمی در جهان را بر عهده دارد تاکنون ۶ گزارش شامل پیش‌بینی‌هایی درباره اثرات تغییرات اقلیمی بر نقاط مختلف جهان ارائه کرده است. بر اساس شبیه‌سازی‌های این هیات در گزارش پنجم (منتشرشده در سال ۲۰۱۴-۲۰۱۳) تا سال ۲۰۴۰ میلادی تغییرات اقلیمی در ایران باعث کاهش ۹ درصدی میزان بارش‌ها، افزایش یک درجه سانتی‌گرادی دمای کشور، افزایش ۴۰ درصدی بارش‌های سیل‌آسا، افزایش تعداد روزهای داغ و خشک و کاهش تعداد روزهای یخبندان می‌شود و در نتیجه، منجر به افزایش دفعات خشک‌سالی و کاهش منابع آبی به خصوص در مناطق مرکزی ایران خواهد شد.

لازم به ذکر است که هم‌اکنون پس از گذشت ۷ سال شاهد روند تحقق پیش‌بینی‌های اقلیمی این گزارش درباره ایران هستیم.

## آب فدای امنیت و سلیقه

اکنون که مقدمه‌ای از وضعیت آبی ایران بیان شد، می‌توان به موضوع اصلی، یعنی مسوولیت اجتماعی جانمایی صنایع در ایران ورود کرد.



جهان، ایران را در میان ۳۰ کشور نخست مواجهه شونده با تغییرات اقلیمی قرار داده است که اتفاقاً بیشترین اثرپذیری از آن را هم تجربه خواهد کرد. ممکن است تغییرات اقلیمی در جایی مثل آسیای جنوب شرقی با افزایش بارش‌ها رخ‌نمایی کند ولی مسجل است که در منطقه خاورمیانه و ایران چهره تغییرات اقلیمی خشک، گرم و شامل کاهش بارش‌ها خواهد بود. این یعنی خشک یا کم‌آب شدن رودخانه‌ها و کم‌آمدن آب برای کشاورزان. اما از زمانی که مسئله تغییرات اقلیمی در سطح جهانی مطرح شد، توجه مسوولان ایرانی به این موضوع جلب نشد که چالش‌های انکارناپذیر آبی در آینده به رقابت بر سر آب دامن می‌زند و باعث می‌شود که مردم محلی به حق یا ناحق نخستین انگشت اتهام خود را متوجه صنایع آب‌بر و پروژه‌های انتقال آب کنند.

### مسئله اجتماعی آب

بیابید همان دو مثال صنایع ذوب‌آهن و فولاد در اصفهان و احداث صنایع پتروشیمی در سمنان را به عنوان نمونه‌های معرف وضعیت کلی پیگیری کنیم. چند سالی است که کشاورزان شرق استان اصفهان هرساله با کم‌آبی مواجه شده و دست به تظاهرات می‌زنند. آن‌ها از اینکه آب زاینده‌رود به جای جاری شدن به زمین‌های کشاورزشان به سوی صنایعی مثل ذوب‌آهن اصفهان می‌رود گله‌مندند. اما مسئله اینجاست که کارخانه ذوب‌آهن اصفهان سال‌هاست که آبی از زاینده‌رود برداشت نمی‌کند، بلکه فاضلاب شهر اصفهان را تصفیه کرده و مورد استفاده قرار می‌دهد. بر اساس نقشه‌های پراکندگی زمین‌های زیرکشت در اصفهان، هویداست که مشکل کمبود آب زاینده‌رود به خاطر زیرکشت برده شدن زمین‌های غرب استان طی این سال‌ها پدید آمده و بنابراین پرسش این است که چرا هنوز هم ادعای مصرف بالای آب توسط ذوب‌آهن به عنوان یکی

میلیون متر مکعب و سهم صنعت ۱۵۰ میلیون متر مکعب در نظر گرفته شده است.

ما قصد پرداختن به موضوعاتی از قبیل عوارض جنگل‌تراشی میراث طبیعی ارزشمند هیرکانی برای احداث خط لوله و هزینه‌های گزاف شیرین کردن آب و در کل، آن معضلات عینی که این طرح خواهد آفرید نداریم. آنچه اکنون مورد تاکید قرار می‌گیرد امور ذهنی هستند. یعنی فارغ از عوارض عینی برخی سیاست‌ها، آنچه در اذهان مردم می‌گذرد اصالت دارد. ذهن مردم جایی است که مسئله اجتماعی در آن شکل می‌گیرد.

### آب، اولویت نخست

بنا به آنچه گفته شد در چهار دهه گذشته، مسائل امنیتی و سلاقی سیاسی در اولویت نخست تصمیم‌گیری‌ها برای جانمایی صنایع ایران قرار گرفت و کارخانه‌های عمدتاً آب‌بر در کم‌بارش‌ترین نقاط کشور احداث شدند. مسوولان به مسئله تامین آب این کارخانه‌ها به چشم چالشی جزئی می‌نگریستند که با پروژه‌های انتقال آب می‌توانست حل شود. بنابراین یزد و کرمان و اصفهان و سمنان میزبان ذوب‌آهن‌ها و کارخانه‌های فولاد، برخی صنایع پتروشیمی و سایر صنایع آب‌بر شدند. مسوولان به این موضوع توجه نکردند که داشتن توان آبی در یک منطقه باید از نخستین مولفه‌ها و شروط اصلی جانمایی صنایع باشد، چرا که پروژه‌های انتقال آب شبیه‌های فراوانی در ذهن مردم ایجاد می‌کنند.

مولفه آب به خصوص برای کشوری مثل ایران که بارش‌های جوی کمی دارد و با توجه به پیش‌بینی‌ها جزو نخستین کشورها و با بیشترین تأثیرپذیری از تغییرات اقلیمی به حساب می‌آید، از اهمیت بیشتری برخوردار است. مشخصاً از گزارش سوم هیات بین‌دولتی تغییرات اقلیمی (IPCC) وابسته به سازمان ملل، محتمل‌ترین سناریوهای پیش‌بینی وضعیت آینده



از دلایل اصلی قطع آب کشاورزان این استان مطرح می‌شود؟ واقعیت این است که مسائل، زمانی از کنترل اراده حکومت‌ها خارج می‌شوند که اذهان مردم نسبت به موضوعی منفی شده و اعتمادشان سلب شود. آب رفته را اگر نخواهیم بگوییم نمی‌توان به جوی بازگرداند، لاقلاً باید اعتراف کنیم که این کار خیلی سخت و پرهزینه و با ریسک بالا خواهد بود. مسائل اجتماعی ذهنی هستند و خطای تلقی کردن آن‌ها به امری عینی باعث می‌شود که دولت‌ها به اشتباه فرض کنند که با رفع کردن شاخصه‌های عینی یک معضل، آن مسئله اجتماعی نیز خودبه‌خود حل خواهد شد. در جامعه‌شناسی نیز تعاریف جدید اصطلاح «مسئله اجتماعی» به آنچه در ذهن مردم می‌گذرد بها داده و آنچه به شکل عینی در محیط رخ می‌دهد را برای شناخت مسئله بی‌ارزش می‌شمارد. ذوب‌آهن اصفهان و سایر صنایع به این دلیل هنوز هم در کانون حملات کشاورزان معترض این استان قرار دارند که ایجاد دوگانگی میان کشت و صنعت به سادگی می‌تواند توجه عموم مردم را به موضوع کمبود آب در اصفهان جلب کند. در کل موضوعات ساده، فرایند ادعاسازی و فهم ادعاها را آسان‌تر کرده و مردم بیشتری را با موضوع همدل می‌کند.

این مسئله در پروژه انتقال آب دریای خزر به سمنان هم عیناً تکرار شده است. بنا به گفته یک مسئول آگاه، مردم مازندران این خط لوله را به‌عنوان یک تهدید علیه خود قلمداد می‌کنند. درواقع این پروژه دو استان سمنان و مازندران را در تعارض و در برابر هم قرار داده است و خطر خرابکاری مردم محلی در این خط لوله یکی از مهم‌ترین چالش‌های فعلی مجریان آن است.

زیرا آب حیاتی‌ترین نیاز بشر است و مردم نمی‌توانند حتی نگرانی از به خطر افتادن امنیت آبی خود را تحمل کنند. ادعاهایی که پیرامون این پروژه مطرح شد بعضاً خنده‌آور هم هست. مثلاً برخی ادعا کردند که این پروژه به خشک شدن آب دریای خزر منجر می‌شود، در حالی که نسبت حجم آب دریای خزر به آب برداشت شده در این پروژه مانند نسبت بین آب دریاچه چیتگر به یک کاسه آبی است که از آن برداشت کنیم.

این مشکلات تنها به این دلیل گریبان‌گیر پروژه انتقال آب دریای خزر به سمنان و نیز صنایع ذوب‌آهن و فولاد اصفهان شد که اولویت وجود آب برای جانمایی این صنایع در نظر گرفته نشد. ریشه تمام این معضلات به ابتدای امر برمی‌گردد. اگر از ابتدا جانمایی درستی برای صنایع آب‌بر صورت بگیرد، صرف این همه هزینه‌های گزاف برای توجیه با سرکوب معترضان که نگران وضعیت آبی خود هستند لازم نمی‌شود. اگر بهانه‌هایی مثل دخالت‌های آشکار انسانی (مثل احداث صنایع آب‌بر یا پروژه‌های انتقال آب) در کار نباشد، حتی معضل کم‌آبی ناشی از خشک‌سالی و یا تغییرات اقلیمی هم راحت‌تر از سوی مردم پذیرفته می‌شود (چون به طبیعت و تقدیر نسبت داده خواهد شد) و تبدیل به یک مسئله اجتماعی نمی‌شود.

### مسئولیت اجتماعی

سازمان‌ها و شرکت‌ها نمی‌توانند صرفاً موضوع منفعت اقتصادی را به‌عنوان هدف خود تعیین کنند، زیرا از معنا تهی می‌شوند؛ چون هر تلاش اقتصادی برای رفع نیازی از انسان صورت می‌گیرد.

بر اساس مقاله‌ای با عنوان «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و نحوه سنجش آن»، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، به‌عنوان تعهد فرد یا سازمان نسبت به جامعه، درک می‌شود. این تعهد زمانی معنی‌دار است که پیامدهای انجام فعالیت‌های شرکت‌ها، تنها خودشان را تحت تأثیر قرار ندهد و به جامعه و محیط آن نیز سرایت کند. درواقع مسئولیت اجتماعی، عنصر هویت‌بخش شرکت‌ها است و به فعالیت اقتصادی آن‌ها انگیزه می‌دهد. بنابراین در همان گام نخست و در مرحله برنامه‌ریزی و امکان‌سنجی ایجاد کارخانه‌ها، نخستین مسئولیت اجتماعی باید تعریف شود. اینکه صنایع نباید با جانمایی نادرست محل کارخانه، دل بستن به پروژه‌های انتقال آب و نادیده گرفتن موضوع آب، آفریننده مسائل اجتماعی در ایران باشند. ■





# پدر صنعت لوازم خانگی



مریم ذوالفقار

کارشناس مدیریت ارتباطات • بانک خاورمیانه

سال ۱۳۴۸ شرکت لامپ پارس توشیبا را تاسیس کرد که هدف از تاسیس آن تولید لامپ‌های رشته‌ای (معمولی و شمعی) و فلورسنت بود. سال ۱۳۵۰ شرکت فرش پارس را در شهر صنعتی البرز با هدف تولید و فروش انواع موکت، فرش ماشینی و موکت نمدی راه‌اندازی کرد. سال ۱۳۵۱ شرکت کالای الکتریک با هدف تولید انواع کلید و پریز تاسیس شد و در سال ۱۳۵۴ همان شرکت تولید انواع ساعت دیواری سیکورا را ادامه داد. سال ۱۳۵۱ شرکت کشت و صنعت جیرفت برای تولید محصولات کشاورزی و همچنین کارخانه‌هایی برای تولید کنسرو ماهی و انواع کمپوت تاسیس کرد. سال ۱۳۵۲ شرکت‌های کارتن البرز، سرامیک البرز و کاشی پارس تاسیس شدند. سال ۱۳۵۴ شرکت لوازم خانگی پارس با هدف تولید یخچال، فریزر و لباسشویی و با ۱۵ درصد سرمایه‌گذاری مشترک جنرال الکتریک تاسیس شد. مجموعاً محمد تقی برخوردار در ۱۵ سال فعالیت توانست ۱۳ شرکت را تاسیس کند. در دهه چهل درک او از محدودیت‌های خارجی حاکم بر اقتصاد ایران مانند ضعف دانش فنی و نیروی متخصص، باعث شد که به مشارکت با سرمایه‌گذاران خارجی روی آورد و تلاش کرد زمینه را برای توانمندسازی نیروهای داخلی از طریق آموزش‌های کوتاه و بلند مدت داخلی فراهم کند. او به مرور در شهرهای مختلف نمایندگی تاسیس کرد و سرویس سیار را برای تعمیر محصولات در منزل راه‌اندازی کرد. هدف شرکت‌هایش بازار داخلی بود و برای گسترش در بازار ایران به تنوع در تولید انواع محصولات روی آورد.

محمد تقی برخوردار رمز و راز فعالیت اقتصادی خود را کار مدام، صداقت و نیروی کارآمد می‌داند. همزمان با پیروزی انقلاب و ملی شدن بسیاری از شرکت‌های فعال، تمامی شرکت‌ها و کارخانجات برخوردار مصادره و به دولت واگذار شد. برخوردار پس از پیگیری‌های فراوان و عدم نتیجه یک سال پس از پیروزی انقلاب، از ایران خارج شد و تا سال ۱۳۷۰ در خارج از ایران زندگی کرد و در آن سال با آرزوی بازگشت اموال و صنایعش، به ایران آمد و در سال ۱۳۷۳ بخشی از زمین‌های موروثی حاج محمد تقی در رفسنجان و منزل شخصی‌اش به او بازگردانده شد اما در سال ۱۳۷۴ به دنبال سگته دچار فراموشی شد و سرانجام این صنعت‌گر و کارآفرین یزدی در ۲۷ تیرماه ۱۳۹۰ برای همیشه آرام گرفت. ■

محمد تقی برخوردار فرزند محمد حسین در شهریور ماه ۱۳۰۳ در خانواده‌ای تجارت پیشه در شهر یزد به دنیا آمد. وی نسل سوم از خانواده برخوردارها بود که از زمان ناصرالدین شاه در یزد به تجارت مشغول بودند. پدر محمد تقی، حاج محمد حسین برخوردار از تجار معروف یزد بود و در خرید و فروش ملک نیز فعالیت داشت و همچنین محصولات کشاورزی مثل چای، زردچوبه، فلفل و پسته را صادر می‌کرد.

محمد تقی از نوجوانی در تجارتخانه پدر در یزد مشغول به کار شد تا این که در ۱۸ سالگی برای ادامه تحصیل به تهران آمد اما به دلیل اینکه علاقه‌ای به تحصیل در دانشگاه نداشت در تهران حجره‌ای در سرای امید مقابل مسجد شاه خرید و به تجارت مشغول شد.

از ۲۲ سالگی کالاهایی مثل برنج، نخ، رنگ، چای، شکر، پسته، کاغذ، باتری، رادیو، ساعت، ماشین حساب، پنکه، پارچه، لیوان، سم، د.د.ت. و... از چند شرکت خارجی یا نمایندگان داخلی آنها وارد و توزیع می‌کرد.

محمد تقی تا دو دهه به تجارت چای و پسته مشغول بود و بعد از آن به وارد کردن کالاهای مصرفی پرداخت و توانست نمایندگی فروش محصولات توشیبا، رافائل و تلویزیون شاپ لورنس را به دست آورد.

برخوردار تا ۲۵ سالگی به صادرات و واردات در شرکت پدر مشغول بود تا اینکه در سال ۱۳۴۰ و با فوت پدرش از برادران دیگر مستقل شد و محمد علی به همراه یکی از برادرانشان به نام هاشم کار را ادامه داد و توانست فعالیت تجاری مستقل خود را توسعه دهد. او در ۳۳ سالگی ازدواج کرد و صاحب ۳ فرزند شد. از سال ۱۳۴۱ برخوردار به تولید محصولات که وارد می‌کرد روی آورد.

سال ۱۳۴۱ شرکت ری اوواک (قهوه پارس) با سرمایه‌گذاری مشترک یک آمریکایی در جاده کرج آغاز به کار کرد. این کارخانه به حدی توسعه پیدا کرد که دو کارخانه دیگر در کرج و شهرک صنعتی قزوین به این مجموعه اضافه شد.

اسفند ۱۳۴۱ شرکت پارس الکتریک (لپارس) را برای تولید تلویزیون و وسایل برقی راه‌اندازی کرد.

سال ۱۳۴۷ شرکت پارس توشیبا را در شهر رشت راه‌اندازی کرد که ۴۰ درصد از سرمایه این مجموعه به شرکت توشیبای ژاپن، ۴۰ درصد به محمد تقی برخوردار و ۲۰ درصد متعلق به بانک توسعه صنعتی و معدنی بود. کار این شرکت تولید انواع لوازم خانگی از قبیل پنکه، آب میوه‌گیری، چرخ‌گوشت و انواع پلوپز بود.

1. www.eghtesaddan.ir

2. www.tccim.ir

## کوشش بیهوده به از خفتگی

باید معترف بود آنچه دولت روحانی از دولت احمدی‌نژاد تحویل گرفت حداقل به لحاظ اقتصادی، ویرانه بود و آنچه خود به رئیسی تحویل داد؛ بهتر از آنچه گرفت نبود. ثمره دولت تدبیر و امید، ناامیدی اقشار مختلف از بهبود اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شد که این را می‌توان از تلاش دسته جمعی افراد برای مهاجرت از ایران برداشت کرد. از نگاه افکار عمومی چشم‌انداز تغییر در دولت رئیسی نیز بسیار کم‌رنگ است. اقتصاددانان حتی در صورت به ثمر نشستن برجام؛ پیش‌بینی مثبتی از متغیرهای کلان اقتصادی تا چند سال آینده ارائه نمی‌دهند. با این حال و حتی در این فضای رخوت آلود هم می‌توان عملکرد بهتری داشت. در این پرونده ضمن بررسی شاخص بیکاری در ایران و جهان؛ به نبایدهای اقتصادی پرداخته‌ایم که دولت رئیسی باید از آن اجتناب کند.



بیکاری در ایران  
و جهان

۳۴

نبایدهای  
اقتصادی  
دولت سیزدهم

۳۲

# نباید های اقتصادی دولت سیزدهم



حسین سلطان آبادی  
کارشناس مدیریت تحقیقات اقتصادی  
بانک خاورمیانه

البته تنها راه قطع ارتباط سفره مردم با نوسانات نرخ ارز، تثبیت نرخ رسمی ارز نیست. تعبیر دیگر این سیاست خودکفایی در تولید کالاهای اساسی است که البته این سیاست نیز به وفور در نیم قرن اخیر در کشورمان آزموده شده است. حتی با فرض امکان رسیدن به خودکفایی در تولید محصولات اساسی کشاورزی، آیا در کشوری که با تنش آبی شدید مواجه است این سیاست به معنی ارتباط شدید حیاتی‌ترین کالای اساسی یعنی آب با نرخ ارز نخواهد بود؟ حتی اگر محدودیت منابع در تولید همه کالاهای اساسی مورد نیاز کشور را در نظر بگیریم، آیا تولید همه کالاهای اساسی در داخل کشور صرفه اقتصادی دارد؟ آیا چشم‌پوشی از مزایا و منافع اقتصادی تجارت، به افزایش بهای تمام‌شده و در نتیجه افزایش بیشتر قیمت کالاهای اساسی و فشار بیشتر بر اقشار ضعیف منجر نخواهد شد؟ برای پاسخ به این سوال کافی است نگاهی به عملکرد تولید واکسن کرونا در داخل کشور، بهای تمام‌شده آن، امکان دسترسی به آن و خسارات جانی هولناک ناشی از عدم واردات آن داشت.

فراز از منافع واردات بسیاری از کالاهای اساسی و احترام به حق انتخاب مصرف‌کننده داخلی، حتی اگر همه کالاهای اساسی در داخل کشور تولید شدند و از نظر قیمت و کیفیت مورد انتخاب همه مصرف‌کنندگان ایرانی قرار گرفتند، همچنان نمی‌توان ادعا کرد که ارتباط سفره مردم با نرخ ارز قطع شده است، چرا که عمده کالاهای اساسی قابل تجارت‌اند. در صورت افزایش نرخ ارز، صادرات کالاهای اساسی تولیدشده در داخل کشور به اندازه‌ای افزایش می‌یابد که قیمت داخلی آن‌ها با قیمت جهانی آن‌ها همگرا شود. در این شرایط سیاست‌گذار نسبت به ممنوعیت صادرات این اقلام اقدام می‌کند. حتی با فرض کنترل قاچاق این اقلام به خارج از کشور، نتیجه این اقدام صرفاً توقف تولید و بروز کمبود کالاهای اساسی در اقتصاد داخلی خواهد بود. در این شرایط دولت جدید چاره‌ای به جز واردات گسترده این اقلام نخواهد داشت که مصداق ضرب‌المثل پیاز خوردن و فلک شدن و پول دادن است. این اتفاق البته در دولت قبلی نیز به وفور تجربه شد. فراموش نکنیم که سرمایه بسیار فرار است و نتیجه رویکرد پلیسی و امنیتی در مواجهه با تولیدکننده و صادرکننده، خروج سرمایه و افت قابل توجه سرمایه‌گذاری در اقتصاد خواهد بود. تبعات منفی افت تشکیل سرمایه تا مدت‌ها گریبان اقتصاد را گرفته و رشد اقتصادی بلندمدت را تهدید خواهد کرد.

## سراب هدایت نقدینگی

هم رئیس‌جمهور و هم برخی از اعضای کابینه او معتقدند که باید نقدینگی را به سمت تولید هدایت کرد تا با بهبود رشد اقتصادی، از تورم موجود نیز کاسته شود. گویی این که رشد نقدینگی بسیار زیاد است را مشکلی نمی‌بینند و صرفاً مشکل اینجا است که این نقدینگی به سرمایه‌گذاری تبدیل نمی‌شود. با این

دولت سیزدهم در شرایطی کار خود را آغاز کرده که با انبوهی از انتظارات اقتصادی جدید و از پیش اثبات‌شده مواجه است. بر همین اساس بسیاری از افراد و گروه‌ها بر مبنای تفکرات یا منافع خود لیستی از کارهایی که دولت جدید «باید انجام دهد» تهیه کرده و از طرق مختلف ارائه داده‌اند. اما تجربه اندوخته سال‌های گذشته نشان می‌دهد که توجه به لیستی از کارهایی که دولت جدید «نباید انجام دهد» بسیار کارسازتر است.

## قطع ارتباط

یکی از شعارهای رئیس‌جمهور جدید در زمان رقابت‌های انتخاباتی قطع ارتباط سفره مردم و نرخ ارز بود. اگر سفره مردم را همان کالاهای اساسی در نظر بگیریم، یکی از مخرب‌ترین سیاست‌های اقتصادی دولت قبل تخصیص ارز با نرخ رسمی به واردات همین کالاها به بهانه حمایت از معیشت مردم بود. در سه سال گذشته حدود ۳۰ میلیارد دلار ارز به این منظور تخصیص یافت که نه تنها کمکی به کنترل قیمت این کالاها در بازار نکرد، بلکه در پاره‌ای از موارد منجر به بروز کمبود شدید برخی از کالاهای اساسی و اقلام دارویی شد. در واقع نتیجه این سیاست که به بهانه حمایت از اقشار ضعیف اجرا شد، بروز مشکلات شدید برای همین اقشار بود که با قیمت فزاینده بسیاری از کالاهای اساسی مواجه بودند و در بسیاری از موارد حتی کالای مورد نیاز آنان در بازار موجود نبود، در حالی که رانت فراوانی را نصیب گروهی کرد که امکان دریافت ارز با نرخ رسمی را داشتند. البته این نخستین باری نبود که نظام چند نرخ ارز در کشورمان تجربه شد و احتمالاً آخرین بار آن نیز نخواهد بود. سیاستی که نتیجه آن هم برای مردم و هم برای سیاست‌گذاران به وضوح روشن است.



مجاب به پرداخت تسهیلات تکلیفی کنند و البته که اثر آن بر تشدید کسری بودجه و تبعات آن بر کسی پوشیده نیست. اما مشکل بزرگ‌تر این است که بانکی که به دلیل پرداخت تسهیلات تکلیفی با معضل دارایی‌های غیرجاری مواجه است، از دولت انتظار دارد که در مقابل ورشکستگی از او حمایت کند. این حمایت دولتی برای جلوگیری از ورشکستگی بانک‌ها فارغ از تبعات تورمی، مخاطرات اخلاقی جدی به همراه دارد و مدیریت ریسک در سایر تسهیلات (غیر تکلیفی) را نیز دچار اخلال می‌کند، کما این که یکی از عوامل شکل‌گیری فساد بانکی موجود و میزان بالای تسهیلات غیرجاری همین مساله است.

#### حمایت و صیانت

در گفتمان رئیس‌جمهور، حمایت از اقشار مختلف جامعه از جمله حمایت از بازار سرمایه به گوش می‌رسد. در شرایطی که دولت با کسری بودجه شدید مواجه است و راهی به جز پولی شدن این کسری بودجه وجود ندارد، هرگونه حمایتی که منجر به تخصیص منابع به ارکان مختلف بازار سرمایه شود به معنای تشدید تورم است. در واقع بهای این حمایت از قشر خاص سهامداران و سایر ارکان بازار سرمایه (از جمله کارگزاری‌ها) از جیب همه مردم ایران پرداخت می‌شود و نتیجه آن تضعیف بیشتر اقشار آسیب‌پذیر است. بزرگ‌ترین حمایتی که دولت می‌تواند از مردم داشته باشد عدم دخالت در امور مختلف آنان از جمله امور سرمایه‌گذاری آنان است.

این عدم مداخله هم به معنای عدم دریافت مالیات از سود سرمایه‌گذاری‌های مردم است و هم به معنای عدم دخالت در زیان ناشی از ریسک‌پذیری در سرمایه‌گذاری آنان. مهم‌ترین صیانت از مردم نیز صیانت از حق آزادی و حق انتخاب مردم است. هر طرحی که آزادی و انتخاب مردم را محدود کند، نه تنها به معنای صیانت نیست بلکه به عنوان خیانت به حقوق عموم مردم تعبیر خواهد شد.

همچنین رئیس‌جمهور جدید وعده ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکونی برای اقشار ضعیف جامعه را داده است، در حالی که نه تنها تجربه دنیا نشان داده است که دولت‌ها سازندگان مناسب مسکن نیستند، بلکه در کشور خودمان و در سال‌های نه چندان دور تجربه طرح شکست خورده مسکن مهر و تورم ناشی از اجرای این طرح موجود است.

در مجموع وعده طرح‌ها و برنامه‌های رئیس‌جمهور جدید در تناقض با وعده کاهش نرخ تورم ایشان است، در حالی که برای نیل به هدف کاهش تورم لازم است که به جای اجرای طرح‌های جدید، اجرای بسیاری از طرح‌های گذشته نیز متوقف شود. شاید بهتر بود به جای معرفی وزیر جدید برای برخی از وزارتخانه‌ها، فکری برای تعطیلی آن‌ها یا حداقل تعطیلی بخشی از ادارات زیرمجموعه آن‌ها می‌شد! ■

استدلال، عمده کشورهای جهان (حتی بسیاری از کشورهای جهان سوم) که با کنترل کل‌های پولی موفق به ثبت تورم‌های تک رقمی در بلندمدت شده‌اند راه خطا پیموده‌اند و بهتر است با افزایش چاپ پول و هدایت آن به سمت تولید، علاوه بر رفع مشکل تورم، موجبات شکوفایی هر چه بیشتر اقتصاد خود را فراهم آورند. مشخص نیست که این چوب جادوی نقدینگی که در دستان بانک مرکزی است و کافی است به سوی تولید نشانه گرفته شود تا مصداق «کن فیکون» باشد، چرا تا کنون جامه عمل نبوشیده است؟ آیا تجربه طرح‌های عمرانی دولتی که مصداقی از هدایت نقدینگی به سمت تولیدند پیش روی ما نیستند؟ برای رفع کسری بودجه، تنها در سه ماهه نخست سال ۱۴۰۰ برداشت دولت از تنخواه‌گردان بانک مرکزی حدود ۵۶ هزار میلیارد تومان بوده است که رشد ۹/۲ درصدی پایه پولی را در طول این سه ماه به همراه داشته است. آیا دولتی که با کسری قابل توجه تراز عملیاتی مواجه است و توان تامین مخارج جاری خود را از محل درآمدهای عمومی ندارد و در عین حال با تحریم فروش نفت مواجه است، می‌تواند در قالب اجرای طرح‌های عمرانی دست به هدایت نقدینگی به سمت تولید بزند و نتیجه آن تشدید کسری بودجه و رشد فزاینده پایه پولی، نقدینگی و تورم نباشد؟ شکی نیست که اقتصاد ایران در طرف عرضه با مشکل مواجه است. اما نکته قابل توجه این است که طبق گزارش پایش محیط کسب‌وکار ایران تهیه شده از سوی اتاق بازرگانی، صنعت، معدن و کشاورزی ایران در تمامی فصول سه سال اخیر مشکل اصلی پیش روی فعالان اقتصادی عدم ثبات قیمت محصولات و مواد اولیه بوده که ریشه در همین بی‌انضباطی مالی دولت و رشد افسار گسیخته پایه پولی داشته است. هدایت نقدینگی به سمت تولید از طریق طرح‌های دولتی مصداق بارز تشدید بزرگ‌ترین مشکل پیش روی تولید به بهانه حمایت از تولید است.

البته هدایت نقدینگی به سمت تولید می‌تواند نه به صورت مستقیم و از طریق طرح‌های تولیدی دولتی، بلکه به صورت غیرمستقیم و از طریق مداخله در بازار پول و عمدتاً از محل مشخص کردن تکالیف دولتی برای شبکه بانکی باشد. این مهم نیز در نیم قرن اخیر به وفور تجربه شده و نتیجه آن هم برای مردم و هم برای سیاست‌گذار اقتصادی به وضوح روشن است.

بخش قابل توجهی از تسهیلات غیرجاری فعلی بانک‌ها به تسهیلات تکلیفی قوانین بودجه سال‌های گذشته مربوط می‌شود. آیا یک بروکرات دولتی بهتر از یک بانک خصوصی تشخیص می‌دهد که تولید در کدام بخش اقتصادی بیشترین بازدهی را خواهد داشت و پرداخت تسهیلات به کدام طرح احتمال موفقیت بیشتر و بازگشت تسهیلات را دارد؟ نکته دیگر این که پذیرش تکالیف دولتی بدون توقع جبران نیست. یارانه سود تسهیلات تکلیفی یکی از هزینه‌هایی است که دولت‌ها در سال‌های اخیر تقبل کرده‌اند تا بانک‌ها را

# بیکاری در ایران و جهان



محمد کوثری

کارشناس ارشد مدیریت نوآوری  
بانک خاورمیانه

## • تعریف بیکاری

طبق تعریف سازمان جهانی نیروی کار (ILO)، نرخ بیکاری نسبت تعداد افراد بیکار به مجموع افراد بیکار و شاغل در جمعیت در سن کار است. کسی بیکار در نظر گرفته می‌شود که قادر به انجام کار باشد، دنبال کار بگردد، اما موفق به یافتن آن نشود. بنابراین مثلا دانشجویها، زنان خانه‌دار و هر کسی که نیاز به کار نداشته باشد، علاقه‌مند به انجام کار نباشد یا به دلایل فیزیکی یا مهارتی قادر به انجام کار نباشد، حتی اگر شغلی نداشته باشد باز هم بیکار محسوب نمی‌شود. جمعیت در سن کار هم در اصل جمعیت بالای سن قانونی کار بوده اما برای اهداف آماری همه افراد بالای حداقل سن تعیین‌شده در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند. به طور معمول جمعیت در سن کار اغلب به عنوان همه افراد ۱۵ سال به بالا تعریف می‌شود اما ممکن است بر اساس قوانین و رویه‌های ملی از کشوری به کشوری دیگر متفاوت باشد.

## • چرا نرخ بیکاری کشورها قابل مقایسه نیست؟

اگرچه برای نرخ بیکاری و سایر شاخص‌های بازار کار تعاریف مشخص و استاندارد وجود دارد و اکثر کشورها متغیرهای خود را بر اساس همین تعاریف گزارش می‌کنند، باز هم مقایسه نرخ بیکاری بین اقتصادهای مختلف چندان کار دقیقی نیست. اولین فاکتوری که باعث نادقیق بودن این قیاس می‌شود نحوه نمونه‌گیری و دقت عمل روش‌های نمونه‌گیری در کشورهای مختلف است. حتی میزان صداقت پاسخ‌دهنده‌ها و میزان اعتماد آن‌ها به حکومت برای ارائه پاسخ صحیح و دقیق به نمونه‌گیرها هم می‌تواند این شاخص‌ها را زیر سوال ببرد. همچنین، نوع برداشت سوال‌کننده و پاسخ‌دهنده از مفاهیم مختلف اشتغال و بیکاری و در نظر گرفتن برخی شرایط در آن می‌تواند بر خروجی این نمونه‌ها اثرگذار باشد. علاوه بر این، موضوع مهم دیگر وجود یا عدم وجود بیمه‌های بیکاری در کشورهای مختلف است که خود تاثیر بسزایی در انگیزه افراد برای ورود به بازار کار دارد. در کشوری که بیمه بیکاری تعریف نشده یا به شکل ضعیف و ناکارآمدی وجود دارد، ممکن است از یک طرف

نرخ بیکاری احتمالا شناخته شده‌ترین معیار بازار کار و مطمئنا یکی از متداول‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در رسانه‌های اقتصادی و اجتماعی است. این نرخ نشان‌دهنده میزان ناتوانی اقتصاد یک کشور در ایجاد اشتغال برای افرادی است که به هر دلیلی مشتاق انجام کار هستند اما به دلایل اقتصادی نمی‌توانند شغل مناسب خود را پیدا کنند. اگر اشتغال را به عنوان یک وضعیت مطلوب قلمداد کنیم که طبیعتا همین‌طور هم باید باشد، عدم اشتغال یا بیکاری وضعیت نامطلوبی است که نه تنها از لحاظ اقتصادی بلکه از لحاظ اجتماعی هم تبعات و مشکلات زیادی را به همراه دارد. به همین دلیل است که نرخ بیکاری، در کنار رشد اقتصادی و تورم، یکی از متغیرهای مهم اقتصادی به شمار می‌رود.

تاکید بر این نکته خالی از لطف نیست که اگرچه نرخ بیکاری یکی از مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های بازار کار و حتی اقتصاد هر کشوری است، اما هیچ‌گاه به تنهایی نمی‌تواند تصویر درستی از رفاه یا مشکلات اقتصادی یک کشور ارائه دهد.

نرخ بیکاری همواره باید در کنار سایر متغیرهای بازار کار مثل نرخ مشارکت اقتصادی، نسبت اشتغال، سهم جمعیت دارای اشتغال ناقص زمانی و همچنین نرخ بیکاری گروه‌های سنی مختلف، مناطق مختلف جغرافیایی و گروه‌های مختلف از لحاظ تحصیلات بررسی شود. ضمن اینکه، تمام این موارد باید به تفکیک جنسیت نیز مورد بررسی قرار بگیرد و تعادل بازار کار در بین مردان و زنان ارزیابی شود. علاوه بر این، همان‌طور که احتمالا واضح هم به نظر برسد، حتی مجموعه تمام معیارها و شاخص‌های بازار کار هم آینه تمام‌قدی از وضعیت اقتصادی یک کشور نیستند، چرا که در مورد قدرت خرید، امنیت اقتصادی و تولید ناخالص یک کشور حرفی برای گفتن ندارند. با این حال، روند بلندمدت شاخص‌های بازار کار یک اقتصاد نمی‌تواند بی‌ارتباط و بدون تاثیر از سایر عوامل اقتصادی باشد و تمام این متغیرها در طول زمان بر یکدیگر موثر هستند و باید در یک مسیر حرکت کنند.

در سیستم آموزشی کشور به خوبی انجام نشده و از طرف دیگر فرهنگ، زیرساخت‌ها و موقعیت‌های موجود در بازار کار مناسب و پذیرای ورود زنان نبوده است. با وجود اینکه سهم بسیار کوچکی از زنان وارد بازار کار شده‌اند، باز هم در مقایسه با مردان نسبت بیشتری از آن‌ها موفق به یافتن شغل نشده‌اند و نرخ بیکاری در زنان در همه سال‌های این چهار دهه بسیار بالاتر از مردان بوده است.

از سوی دیگر، با وجود همین نرخ‌های بیکاری که کم بودن آن‌ها با توجه به شرایط اقتصادی کشور کمی سوال‌برانگیز می‌شود، بیکاری جوانان و قشر تحصیلکرده دانشگاهی کشور همچنان نگران‌کننده است. نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۹ در بین فارغ‌التحصیلان آموزش عالی ۱۴/۲ درصد بوده که در بین زنان این گروه به ۲۲/۸ درصد می‌رسد. سهم بیکاران دارای آموزش عالی از کل جمعیت بیکار در این سال حدود ۴۰ درصد بوده است. به بیان دیگر وضعیت اشتغال برای جمعیت جوان و دانشگاهی نامناسب‌تر از متوسط جامعه بوده و در این بین زنان وضعیت بسیار دشوارتری را تجربه می‌کنند. بالاتر بودن آمار بیکاری در بین جمعیت فارغ‌التحصیل در مقایسه با متوسط کل جمعیت نشان می‌دهد که ادامه تحصیل در مقاطع تکمیلی نه تنها ورود به بازار کار در ایران را تسهیل نکرده، بلکه متناسب و سازگار با ظرفیت بازار کار نبوده و حتی جذب آن‌ها را سخت‌تر کرده است. بنابراین دوره‌های تحصیلات تکمیلی که یک سرمایه‌گذاری نسبتاً بزرگ هم برای دولت و هم خانوارها تلقی می‌شود، برای تعداد قابل توجهی از افراد و حداقل از جنبه ورود به بازار کار و کسب درآمد عایدی مثبتی نداشته است.

#### • مقایسه امکان‌پذیر نیست

در مجموع، اگر چه آمار بازار کار در ایران نسبت به متوسط دنیا و در مقایسه با بسیاری از کشورهای چندان تفاوت ندارد، به دلایل مختلف نمی‌توان برداشت کرد که وضعیت واقعی بازار کار هم به همین شکل نزدیک به نرم جهانی قرار دارد. معیارهای مختلف نشان می‌دهد که نرخ بیکاری در ایران به دلایل اقتصادی و غیراقتصادی به خوبی نمایانگر واقعیت‌های بازار کار کشور نبوده و مقایسه آن با کشورهای دیگر چندان درست نیست. ■

جویندگان کار به شرایط نامساعد شغلی هم راضی شوند و شروع به کار کنند و از طرف دیگر در صورت ناامیدی از یافتن کار به راحتی از بازار خارج شده و حتی در جمعیت فعال هم قرار نگیرند که در هر دو صورت نرخ بیکاری کاهش پیدا می‌کند. این در مقابل حالتی که در یک کشور بیمه بیکاری قوی موجود باشد و سهم بالایی از افراد خود را مایل و قادر به انجام کار بدانند و به دنبال حرفه‌ای متناسب با تحصیلات و شان خود بگردند، تفاوت زیادی دارد.

نرخ بیکاری چند کشور منتخب در نمودار زیر نمایش داده شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود برخی کشورها مثل قطر، ژاپن، اندونزی و با کمی اغماض آلمان، در سال ۲۰۲۰ نرخ بیکاری زیر ۴ درصد را تجربه کرده‌اند. این کشورها به طور کلی به خاطر اقتصاد قوی و پایداری که دارند سالیان سال است که چنین نرخ‌های قابل افتخاری را در بازار کار خود به ثبت می‌رسانند و این در حالی است که در سال ۲۰۲۰ به دلیل همه‌گیری بیماری کرونا وضعیت بازار کار دنیا به مراتب سخت‌تر و دشوارهای آن بیشتر بوده است. اما نرخ بیکاری ایران در این سال ۱۱ درصد بوده است. این نرخ از کشورهایی مثل عراق و ترکیه کمتر و از بسیاری از کشورهای دیگر از جمله آذربایجان و پاکستان و حتی ونزوئلا بیشتر بوده است. اگرچه به طور کلی می‌توان گفت که وضعیت کار در ایران به مراتب سخت‌تر از بسیاری از این کشورهاست و نرخ ۱۱ درصد در مقایسه با نرخ‌های زیر ۶ یا حتی ۸ درصد به طور قابل توجهی بالاست، اما چنانچه در بالا به دلایل آن اشاره شد، مقایسه یک به یک کشورهای از این لحاظ کار چندان دقیقی نخواهد بود.

#### • وضعیت بازار کار در ایران

در حالی که پیش از این مبنای آمارگیری و گزارش شاخص‌های اصلی نیروی کار کشور جمعیت بالای ۱۰ سال بود، از گزارش تابستان ۱۳۹۸، جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر مبنای اصلی محاسبات قرار گرفت. مرکز آمار دلیل این تغییر را تحولات اجتماعی صورت گرفته در زمینه سن ورود به بازار کار در سال‌های اخیر و همچنین همخوانی بیشتر با آمار سایر کشورها عنوان کرده است. به نظر می‌رسد این ادعا حداقل از نظر منطقی چندان دور از واقعیت نباشد، اما اینکه آیا این تنها دلیل این تغییر در این زمان بوده جای سوال دارد.

از آنجا که بخش عمده جمعیت بین ۱۰ تا ۱۵ سال را دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند که جزو جمعیت فعال محسوب نمی‌شوند، در محاسبه نرخ مشارکت اقتصادی، محدود کردن سن کار به بالای ۱۵ سال موجب کاهش مخرج کسر شده، در حالی که صورت تا حدی ثابت می‌ماند و لذا مقدار این نرخ کمی افزایش می‌یابد. با این حال چون جمعیت فعال تقریباً بدون تغییر است، نرخ بیکاری چندان تحت تاثیر قرار نمی‌گیرد.

آمار منتشرشده از وضعیت بازار کار کشور در بهار ۱۴۰۰ از نرخ مشارکت اقتصادی ۴۱/۳ درصدی و نرخ بیکاری ۹/۶ درصدی جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر در این سال حکایت دارد که نسبت به سال قبل از آن به ترتیب ۲/۸ واحد درصد و ۱/۱ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد.

بهبود مختصر نرخ بیکاری در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ برخلاف روند کلی اقتصاد و در حالی رخ داده که وضعیت کلان اقتصادی کشور به نسبت سال‌های قبل از آن به مراتب سخت‌تر بوده است. همه‌گیری کرونا تنها یکی از دلایلی است که وضعیت اقتصادی کشور در این سال‌ها را حاد و دلهره‌آور کرده بود. اگر بخواهیم به نحوی بر دقت این آمار اطمینان کنیم و شکی در مورد صحت آن نداشته باشیم، حداقل باید بدانیم که کاهش نرخ بیکاری کشور در این سال‌ها نه از محل افزایش اشتغال، بلکه در پی خروج قابل توجه افراد از بازار و کاهش نرخ مشارکت اقتصادی رخ داده است.

کاهش مشارکت اقتصادی در این سال از رشد کمتر جمعیت فعال به نسبت کل جمعیت ناشی شده که می‌تواند از دلایل مختلف از جمله ناامیدی برای ورود به بازار کار نشأت گرفته باشد. نرخ پایین مشارکت در مقایسه با سایر کشورها یکی از شاخصه‌های همیشگی اقتصاد ایران حداقل در چهار دهه اخیر بوده است. این نرخ پایین عمدتاً از جانب جمعیت بانوان کشور ایجاد می‌شود، به طوری که از جمعیت بیش از ۳۰ میلیون نفری زنان ۱۵ ساله و بیشتر در ایران، کمتر از ۵ میلیون نفر تمایل و قابلیت انجام کار را داشته‌اند. این امر فراتر از زمینه‌های فرهنگی آن، مؤید آن است که از یک طرف مهارت‌پروری



## اعضای هیات مدیره بانک خاورمیانه معرفی شدند

کامیاب، امیر حسین امین آزاد، مسعود سلطان زالی بگلو، مجید صفریان و عبدالکریم قوامی فر را به عنوان اعضای اصلی انتخاب کردند. همچنین علیرضا عدالت و مجید نورمحمدی تقی آباد به عنوان اعضای علی‌البدل هیات مدیره برگزیده شدند.

مجمع عمومی سالانه بانک خاورمیانه روز پنجشنبه ۲۴ تیر با حضور بیش از ۶۹٪ سهامداران و نمایندگان آنها در سالن همایش‌های هتل ارم برگزار شد. سهامداران در مجمع عمومی عادی ضمن تصویب صورت‌های مالی سال ۱۳۹۹، با شرکت در انتخابات هیات مدیره؛ پرویز عقیلی کرمانی، جواد جواد، غلامعلی



## ۱۰ هزار میلیارد ریال افزایش سرمایه و ۲۰۰ ریال سود نقدی

مجمع عمومی عادی سالانه و مجمع فوق‌العاده بانک خاورمیانه صبح روز پنجشنبه ۲۴ تیر ۱۴۰۰ برگزار شد که در آن سهامداران ضمن تصویب صورت‌های مالی و تقسیم سود به میزان ۲۰۰ ریال برای هر سهم اعضای هیات مدیره را انتخاب کردند. در ادامه با برگزاری مجمع عمومی فوق‌العاده، افزایش سرمایه ۱۰ هزار میلیاردی ریالی از محل سود انباشته به تصویب سهامداران رسید. طبق صورت‌های مالی تایید و تصویب شده در این مجمع، بانک خاورمیانه در سال ۹۹ توانست با رشد نسبت به سال ۹۸ مبلغ ۱۶،۶۲۲ میلیارد ریال سود خالص به دست آورد. همچنین به منظور کمک به بازسازی مدارس مناطق کم‌برخوردار و سایر مسوولیت‌های اجتماعی، سهامداران با اختصاص ۵۰ میلیارد ریال برای انجام این فعالیت‌های انسان‌دوستانه موافقت کردند.

گفتنی است بلافاصله پس از اتمام مجمع عمومی عادی، مجمع عمومی فوق‌العاده بانک تشکیل شد و سهامداران پس از استماع گزارش توجیهی هیات مدیره برای افزایش سرمایه و گزارش حسابرسان در این زمینه، با اجماع آرا افزایش سرمایه بانک را به میزان ۱۰ هزار میلیارد ریال از محل سود انباشته تصویب کردند. با این مصوبه سرمایه بانک به مبلغ ۲۵ هزار میلیارد ریال افزایش پیدا می‌کند.

## شرط استقلال بانک مرکزی، خصوصی سازی تمام بانک‌هاست

است که سیستم بانکی آن کشور صد درصد خصوصی باشد، لذا اگر بناست بانک‌ها دولتی باشند، استقلال بانک مرکزی معنا ندارد. وی خاطرنشان کرد: به نظرم اعتراضات نسبت به بانکداری خصوصی و مشکلاتی که ایجاد شده است، وارد نیست شاید ریشه مشکلات بانک‌ها نبوده‌اند و جای دیگری بوده است. وی افزود: باید مشکل مدیریت بانک‌های خصوصی را پیدا کنیم، اگر موسسه‌ای نمی‌تواند به درستی فعالیت کند، اجازه دهیم که ورشکست شود و به زور پول و تامین منابع، حفظش نکنیم.

عقیلی کرمانی اضافه کرد: معتقدم که بازارهای ثانویه که برای حفظ سود تعریف می‌شود، باید مورد تاکید باشد و عرضه و تقاضا باید نرخ ارز را تعیین کند و این سبب می‌شود که حتی اگر ارزش ریال هم سقوط کرد، میزان صادرات افزایش می‌یابد و صادرات باید به میزانی رشد کند که پاسخگوی واردات باشد و نیاز کشور را تامین کند.

مدیرعامل بانک خاورمیانه، گفت: لازمه مهار تورم و افزایش ارزش پول ملی، استقلال بانک مرکزی است و این موضوع بدون خصوصی شدن بانک‌ها امکان پذیر نیست.

پرویز عقیلی کرمانی در میزگرد تخصصی سی و یکمین همایش بانکداری اسلامی اعلام کرد: یکی از وظایف بانک مرکزی حفاظت از بازار پولی است که به نظر تاکنون برنامه مناسبی برای بازار پول نداشته ایم.

عقیلی کرمانی یادآور شد: مطالعات نشان می‌دهد در دهه ۹۰ کشورهای آمریکای جنوبی و کارائیب شدیداً قوانین تقلیل ساختار سیستم پولی داشتند و هر چه بانک مرکزی مستقل‌تر بود ثبات قیمت، رشد اقتصادی، پایین بودن نرخ تورم بیشتر خود را نشان می‌داد.

مدیرعامل بانک خاورمیانه گفت: موضوع دیگر اینکه در قانون بانک مرکزی در مورد استقلال صحبت می‌شود، اما واقعاً بانک مرکزی مستقل وقتی ارزشمند

## پیش بینی متغیرهای کلان اقتصادی ایران تا سال ۱۴۰۲



بانک خاورمیانه متغیرهای کلان اقتصادی ایران از جمله نرخ رشد اقتصادی با نفت، رشد اقتصادی بدون نفت، نرخ تورم سالانه، نرخ ارز در بازار آزاد و نرخ رشد پایه پولی را از فصل اول سال ۱۴۰۰ تا فصل اول سال ۱۴۰۲ در قالب یک گزارش پیش بینی کرد.

این گزارش که سومین گزارش تفصیلی واحد تحقیقات اقتصادی بانک خاورمیانه درباره پیش بینی متغیرهای کلان اقتصادی ایران است با استفاده از مدل (تعادل عمومی پویای تصادفی) صورت گرفته است. این گزارش، با در نظر گرفتن فروضی از جمله ادامه وضعیت شیوع کرونا تا پایان سال ۱۴۰۱ و با در نظر گرفتن دو سناریو به برآورد متغیرهای مذکور پرداخته شده است.

در سناریوی اول که خوشبینانه است فرض می شود با انجام مذاکرات برجام، از ابتدای فصل سوم سال ۱۴۰۰ به تدریج تحریم های اقتصادی کاهش یافته و صادرات نفتی افزایش یابد تا به حدود ۲ میلیون بشکه در روز برسد. در سناریوی دوم فرض می شود وضع موجود ادامه یابد و مذاکرات بدون حصول نتیجه تداوم یابد و تحریم ها مرتفع نگردند.

در هر دو این سناریوها فرض می شود به دلیل تداوم بیماری کرونا، افت نرخ اشتغال تا فصل چهارم سال ۱۴۰۱ ادامه یابد و پس از آن بهبود یابد و همچنین فرض می گردد که مخارج حقیقی دولت به طور مستمر و با نرخ ثابت افزایش یابد.

نتایج مدل در سناریوی اول نشان می دهد که رشد اقتصادی (فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل) با یک روند نزولی تا فصل دوم ۱۴۰۰ به ۴/۴ درصد کاهش می یابد و پس از آن با روندی افزایشی به ۵/۷ درصد در فصل آخر امسال می رسد و سپس در حدود ۵/۴ درصد ادامه می یابد. در این سناریو، نرخ تورم متوسط سالانه طی یک روند افزایشی به سقف ۵۰/۷ درصد رسیده و سپس با روندی نزولی به حدود ۳۲/۷ درصد در فصل اول ۱۴۰۲ کاهش می یابد.

همچنین در این حالت پیش بینی می شود میانگین نرخ ارز بازار آزاد طی یک روند کاهشی به کف ۲۰ هزار تومان در فصل دوم ۱۴۰۰ کاهش یافته و پس از آن به تدریج تا ۲۴/۲ هزار تومان در فصل دوم ۱۴۰۱ افزایش یابد و سپس روند رشد خود را مجدداً از سر بگیرد.

نتایج مدل در سناریوی دوم حاکی از آن است که رشد اقتصادی (فصل نسبت به فصل مشابه سال قبل) با یک روند نزولی به کف ۴/۲ درصد در فصل سوم ۱۴۰۰ خواهد رسید و پس از آن به ۵/۰ درصد در فصل چهارم افزایش خواهد یافت و سپس در حدود ۴/۶ درصد تثبیت خواهد شد. در این سناریو، نرخ تورم سالانه

با رشدی بالا به سقف ۵۳/۱ درصد در فصل چهارم امسال رسیده و پس از آن طی یک روند نزولی به ۳۷/۷ درصد در انتهای دوره پیش بینی کاهش خواهد یافت. در این حالت، نرخ ارز بازار آزاد نیز با شروع یک روند افزایشی از فصل دوم ۱۴۰۰ به حدود ۳۳/۷ هزار تومان در فصل آخر امسال افزایش یافته و پس از آن با آهنگی ملایم تا انتهای دوره پیش بینی رشد خواهد کرد تا به ۳۷ هزار تومان برسد.



با اسکن QR کد زیر می توانید متن کامل این گزارش را مشاهده کنید.

وجود گسترش آن در سال های اخیر هنوز مراحل تکوین خود را طی می کند و تا زمانی که به بلوغ خود نرسیده تکلیف سنگینی بر دوش شبکه بانکی است. البته در یکی دو سال اخیر دسترسی بانک ها به اضافه برداشت و قطع اعتباری از بانک مرکزی محدود شده است.

وی با اشاره به سیاست های اخیر بانک مرکزی برای کنترل نرخ تورم گفت: ابزار سیاست پولی برای مدیریت نقدینگی و نرخ سود در بازار بین بانکی فعالیت جدیدی است که برای مهار تورم به کار می رود و از ظرفیت بین بانکی برای حراج اوراق مالی اسلامی و فروش آن استفاده می شود.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین از تقویت ابزارهای نظارتی برای سامان دادن به ترانزاکشن های بانک ها گفت و افزود: این کار از طریق سیاست هایی برای کم کردن سهم دارایی های رسوبی بانک ها انجام می شود و از سال گذشته بر اساس تصمیم شورای پول و اعتبار مقرر شد که بانک ها ۳ درصد از سپرده های بانکی را صرف خرید اوراق اسلامی کنند تا جایگزین دارایی های غیر فعال شود.

## اضافه برداشت بانک ها از بانک مرکزی تقریباً صفر شد

رئیس کل بانک مرکزی گفت: در هشت ماه اخیر اضافه برداشت و دریافت خط اعتباری بانک ها از بانک مرکزی به حداقل ممکن و به حدود صفر رسیده است. اکبر کمیجانی با بیان اینکه شبکه بانکی سهم بالایی در تامین مالی اقتصاد دارد گفت: برخی تسهیلات تکلیفی بار سنگینی بر دوش نظام بانکی قرار می دهد و اگر بانک ها نتوانند منابع را به موقع از منابع خود بانک تامین کنند به منابع بانک مرکزی مراجعه می کنند و این کار باعث اضافه برداشت یا گرفتن خط اعتباری از بانک مرکزی می شود که تبعات منفی دارد.

وی گفت: بخشی از این تامین مالی اقتصاد باید از بازار سرمایه انجام شود که با

# رابطه بین آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی



آرین آقابگی

معاون شعبه الهیه • بانک خاورمیانه

## «آزادی، گیاهی ظریف است. به حکم عقل و شهادت تاریخ آنچه آزادی را تهدید می‌کند تمرکز قدرت است.»

رابطه بین مناسبات اقتصادی و سیاسی و اثر هریک از آن‌ها بر معیشت افراد جامعه یکی از کلیدی‌ترین محورهای بحث در مکاتب اقتصادی و سیاسی بوده و هم اکنون نیز هست. این موضوع که طیف گسترده‌ای از اندیشه‌ها را در بر می‌گیرد از یک سو در مکاتب اقتصادی متمایل به دولت، این نهاد عمومی را حاکم بلامنارعی در نظر می‌گیرد که در تمام سطوح زندگی آحاد جامعه سیطره و نقشی پدرمآبانه دارد، حال آنکه در سر دیگر طیف، دولت از هرگونه دخالت منع شده است. تجربیات تاریخی در کشورهای گوناگون نشان داده است دو دیدگاه افراطی مطرح شده در بالا در هیچ کشوری نتیجه بخش نبوده و هزینه‌های زیادی را بر جوامع خود تحمیل کرده‌اند. بنا بر همین تجربیات می‌توان ارتباط پیچیده‌ای بین نظام اقتصادی و سیاسی حاکم بر یک کشور متصور بود که تغییرات هریک به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر یکدیگر اثرگذار خواهند بود.

در یک مثال ساده اقتصاد را به پرنده‌ای می‌توان تشبیه نمود که یک بال آن ترتیبات سیاسی و بال دیگر آن نظام حقوقی است. البته نوع نظام حقوقی نیز خود از دیدگاه سیاسی حاکم متأثر است.

هرگونه دخل و تصرف در بال‌های این پرنده سرعت، شتاب، ارتفاع و توان پریدن آن را تغییر خواهد داد. به هر حال تصور پرواز پرنده با یک بال نیز خیالی عبث است و نمی‌توان جامعه‌ای بدون حضور دولت متصور بود. در بین دو سر طیف عنوان شده در بالا، عقاید و اندیشه‌های گوناگونی را می‌توان یافت که مدافع نقش حداقلی دولت در نظام اقتصادی و سیاسی هستند. بر اساس اندیشه‌های این گروه با رعایت دو اصل می‌توان از محاسن وجود دولت بهره‌مند شد و از خطراتی که برای آزادی‌های فردی ممکن است بیافریند کاست.

اصل اول این است که حوزه اختیارات دولت باید محدود باشد. این اصل دولت را نگهبان آزادی فردی در جامعه در نظر می‌گیرد، نگرهانی که وظیفه آن ایجاد نظم در داخل کشور و مواجهه با تهدیدهای داخلی و خارجی و ایجاد بستر برای انجام اموری است که بخش خصوصی به تنهایی توان آن را ندارد. اصل دیگر عنوان می‌کند که همین اختیارات محدود دولت نیز نباید متمرکز که باید پخش شود، زیرا تمرکز قدرت تبعات نامطلوبی به همراه خواهد داشت. با وجود این دو اصل، در جوامعی که به عنوان مدافعان آزادی اقتصادی از آن‌ها یاد می‌شود نیز در دهه‌های اخیر چرخش‌های قابل توجهی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، آزادی فردی که نتیجه و هدف غایی طرفداران لیبرالیسم در قرن ۱۹ بود امروز جای خود را به رفاه عمومی داده است که از طریق دولت انتخابی برآمده از صندوق رای

قابل دست‌یابی است. با توجه به توضیحات فوق نمی‌توان نظام اقتصادی و سیاسی را دو پدیده مستقل از هم در نظر گرفت. در یک کلام می‌توان آزادی اقتصادی را آزادی در انجام مبادله بدون زور و اجبار برشمرد به گونه‌ای که طرفین معامله منتفع شوند. به عنوان نمونه، حرکت بازارها به سمت بازارهای رقابتی نمونه‌ای بارز از آزادی اقتصادی است به این صورت که مصرف‌کننده مجبور نیست حتماً از یک فروشنده خرید کند زیرا فروشندگان متعددی در بازار حضور دارند و برعکس فروشنده نیز محدود به چند خریدار خاص نیست. به همین ترتیب آزادی انتخاب شغل نیز مسئله‌ای مشابه است به این معنی که فرد محدود به یک کارفرما نخواهد بود و قادر است آزادانه شغل خود را انتخاب کند. همچنین کارفرما نیز محدود به استخدام هر فردی نیست.

آزادی سیاسی و نظام حقوقی نیز اثرات قابل توجهی بر مناسبات و ترتیبات اقتصادی خواهد داشت. به بیان واضح‌تر وضع قوانین روشن و پاسداری کننده از آزادی نظام اقتصادی، خود منتج به جلوگیری از ایجاد رانت‌های ناشی از نزدیکی به کانال‌های قدرت شده و می‌تواند از هزینه‌های اجتماعی بعدی آن جلوگیری کند. از برآیند آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی امکانات قابل توجهی نیز برای دولت‌ها فراهم می‌شود.

آنچه برای هماهنگی افراد جامعه قابل استفاده است دو چیز است، اقدامات قهری و اجباری توسط ارتش و نیروهای نظامی که بعضاً بسیار پرهزینه است و دیگری مکانسیم اقتصاد بازار با کمترین هزینه. در نتیجه، به واسطه مقررات‌زدایی از اقتصاد، ساز و کارهای بازار و حضور افراد و بنگاه‌های متعدد در نظام اقتصادی، عوامل مزاحم از بازار حذف شده و بازار به سمت نیازهای واقعی و بهینه افراد پیش خواهد رفت.

به‌طور کلی حفظ آزادی اقتصادی و اثرات سودبخش آن بر نظام سیاسی و اجتماعی مستلزم آن است که تمرکز تا بیشترین حد ممکن برداشته شود و قدرت باقی‌مانده مورد نیاز که حذف آن ناممکن و البته نامعقول است پراکنده و توزیع شود. این یعنی سازوکاری مرکب از توازن و نظارت.

به‌عبارت دقیق‌تر همان‌گونه که آزادی سیاسی ضامن آزادی اقتصادی است آزادی اقتصادی نیز خود متوازن‌کننده نظام سیاسی خواهد بود.

در این چارچوب ارتباط دو سویه و تنگاتنگ نظام اقتصادی و نظام سیاسی قابل اثبات است. ■

شهر	شعبه	کد	نشانی	تلفن
تهران	آفتاب	۷۸۱۰۱۸	میدان ونک، خیابان شهید خدای، تقاطع خیابان آفتاب، شماره ۱۱۸	۰۲۱-۸۸۶۲ ۳۷۵۰
تهران	نوبخت	۷۸۱۰۲۷	خیابان خرمشهر (آبادانا)، خیابان شهید عربعلی، نبش خیابان یازدهم، شماره ۵۸	۰۲۱-۸۶۰۸ ۹۷۰۳
تهران	نیاوران	۷۸۱۰۳۶	خیابان شهید باهنر (نیاوران)، بعد از سه راه یاسر، شماره ۲۹۹	۰۲۱-۲۲۷۵ ۹۳۹۸
تهران	الهییه	۷۸۱۰۴۵	خیابان شهید فیاضی (فرشته)، خیابان شهید آقابزرگی، نبش بن بست بیژن، شماره ۳۳	۰۲۱-۲۲۳۹ ۰۹۹۱
تهران	مهستان	۷۸۱۰۵۴	شهرک قدس (غرب)، خیابان ایران زمین، شماره ۲۲۲	۰۲۱-۸۸۵۶ ۱۶۵۶
تهران	سعادت آباد	۷۸۱۰۶۳	سعادت آباد، میدان سرلشگر شهید طهرانی مقدم (کاج)، نبش کوچه هفتم، شماره ۸۶	۰۲۱-۲۲۳۸ ۲۹۳۸
تهران	بخارست	۷۸۱۰۷۲	خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲	۰۲۱-۸۸۷۲ ۹۹۲۵
تهران	زعفرانیه	۷۸۱۰۸۱	زعفرانیه، خیابان مقدس اردبیلی، مرکز خرید پالادیوم، بلوک ۱، طبقه نهم شمالی، شماره ۹۰۷	۰۲۱-۲۶۳۵ ۵۷۰۴
تهران	آفریقا	۷۸۱۰۹۹	بلوار نلسون ماندلا، بالاتر از خیابان شهید دستگردی، نبش کوچه نور، پلاک ۲	۰۲۱-۸۶۰۸ ۲۳۸۵
تهران	دروس	۷۸۱۰۱۱۳	خیابان یخچال، خیابان هدایت، نبش میدان هدایت، شماره ۶۵	۰۲۱-۲۲۵۶ ۰۶۷۷
اصفهان	اصفهان	۷۸۳۰۰۱۴	میدان فیض، نبش خیابان میر، شماره ۵	۰۳۱-۳۶۶۴ ۴۶۸۳
تبریز	تبریز	۷۸۴۵۰۱۳	شهرک ولی عصر، فلکه رودکی، خیابان رودکی، نبش کوچه سحر، شماره ۵۶۰	۰۴۱-۳۳۲۷ ۲۶۰۵
شیراز	شیراز	۷۸۷۲۰۱۹	بلوار ستارخان، نبش خیابان عقیف آباد، شماره ۱۲۷	۰۷۱-۳۶۲۶ ۸۸۰۷
مشهد	مشهد	۷۸۸۵۰۱۴	مشهد، بلوار سجاد، بین چهارراه بهار و چهارراه گلریز، شماره ۴۸	۰۵۱-۳۷۶۵ ۶۲۲۲
کرج	کرج (شعبه غیرنقدی)	۷۸۶۲۴۱۹	کرج، مهرویلا، خیابان درختی، مرکز خرید درختی، طبقه ۶، واحد ۵	۰۲۶-۳۳۵۳ ۸۲۵۹
Munich	Munich	-	Middle East Bank, Munich Branch, Landsberger Straße 406, D-81241 München, Germany	(+49-89) 2153 9820



بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه بازار پول و سرمایه را به صورت مستقیم و یا از طریق شرکت های زیرمجموعه یا وابسته با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم کرده است.

#### شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

تهران، خیابان نلسون ماندلا (آفریقا)، خیابان دستگردی (ظفر) به سمت ولیعصر، شماره ۲۷۷  
تلفن: ۸۶۰۸ ۳۵۶۴  
mebbco.com

#### شرکت بیمه زندگی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان هفتم شماره ۱۰  
تلفن: ۴۱۳۶ ۳۰۰۰  
melico.ir

#### شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان نهم برج بخارست، طبقه دوم  
تلفن: ۴۱۲۶ ۱۰۰۰  
exmeb.com

#### ساختمان ادارات مرکزی

تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲  
تلفن: ۴۲۱۷ ۸۰۰۰  
دورنگار: ۸۸۷۰ ۱۰۹۵  
کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷  
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۱۵۸۷۵  
www.middleeastbank.ir  
info@middleeastbank.ir  
رسیدگی به شکایات (مدیریت بازرسی)  
تلفن: ۴۲۱۷ ۸۸۸۸  
مرکز ارتباط مشتریان (آشنا)  
تلفن: ۴۲ ۵۵۷ (۰۲۱)

# اینترنت بانک خاص شرکتها



بانک خاورمیانه  
Middle East Bank



[www.middleeastbank.ir](http://www.middleeastbank.ir)  
[info@middleeastbank.ir](mailto:info@middleeastbank.ir)

اینترنت بانک شرکتی یکی از خدمات تخصصی بانک خاورمیانه برای شرکتها و فعالان اقتصادی است که در آن اشخاص حقوقی می‌توانند اغلب نیازهای بانکی خود را بدون مراجعه به شعب برطرف کنند. انتقال وجه گروهی، انتقال وجه زمان‌بندی شده، مشاهده چک‌های واگذار شده به حساب شرکت، انتقال چک، دریافت گزارش کامل تسهیلات اقساطی و وضعیت ضمانت‌نامه‌ها ارزی و ریالی، ایجاد دسترسی‌های متفاوت برای هر یک از افراد معرفی شده توسط شرکت، ایجاد تراکنش‌های مالی توسط حسابدار یا مسوول امور بانکی، امکان تایید یا رد تراکنش توسط امضاداران از طریق اینترنت بانک یا موبایل بانک و... از جمله امکانات پرشمار و متمایز اینترنت بانک ویژه شرکتها و اشخاص حقوقی بانک خاورمیانه است. ما به عنوان تخصصی‌ترین بانک شرکتی ایران همواره در تلاشیم کامل‌ترین خدمات بانکداری شرکتی را با راحت‌ترین ابزارهای دیجیتال برای فعالان اقتصادی فراهم آوریم.

